

تمدن اسلام نگاری در دوره پهلوی دوم: رویکرد کتابشناختی

۳۲۱-۲۹۳

در هر دوره تاریخی، می توان و باید به بازشناسی جریان های فکری پرداخت. جریان هایی که بخش قابل توجهی از نمود آنها در نوع نگارش هایی است که در باره آن جریان فکری پدید می آید. در دوره معاصر، یکی از این جریان ها، داستان «تمدن نگاری» است. این که عده ای در سایه جریان و موج فکری که از غرب وزیدن گرفت، در باره «تمدن» نوشتند. در این زمینه صدها کتاب و مقالات تألیف شد. در میان مسلمانان و بویژه ما ایرانیان، این نوع نگارش، تابع تصورات و امواجی بود که ما نسبت به وضع غرب، ایران، و اسلام تجربه می کردیم. میل به یکی شدن با آنها یا جدا شدن. گاهی به نقد غرب پرداختیم، گاهی گذشته خویش را معرفی کردیم. گاهی به تقابل اسلام و ایران یا تعامل آنها اندیشیدیم. و در مواردی، صرفاً سعی کرده ایم از پیشرفت های مسلمانان در علوم مختلف سخن بگوییم. اینها، گونه های مختلف جریانی است که تمدن نگاری نمود آن است. از وقتی هم که دوئیت میان تمدن غربی و اسلامی میان ما شکل گرفته، تحت تأثیر این نزاع، آثاری پدید آورده ایم. همه اینها، ظرفی را برای نگارش آثار مختلف از مقاله تا کتاب فراهم کرده است. دوره پهلوی اول، شروع این ماجرا بود که در جای دیگری به آن پرداختیم. در اینجا، عمدتاً روی نگارش های تمدنی در دوره پهلوی تمرکز داریم. بخشی در باره کلیات و نشان دادن قالب های مختلف نگارشی با زدن نمونه های کتابشناسانه است، و بخشی دیگر معرفی چند کتاب از شناخته شده ترین آثار در این زمینه. این قبیل نوشته ها، اندیشه های تمدنی ما ایرانیان را در یک دوره مهم نشان می دهد. دوره ای که پس از آن، به انقلاب اسلامی سال ۵۷ رسید و بار دیگر بحث های تمدنی در ظرفی تازه شروع شد.

بارفتن رضاشاه و بازشدن فضای سیاسی، همزمان که فعالیت برای توده‌ای‌ها و ملی‌ها فراهم شد، مذهبی‌ها نیز فعال شدند. سال‌ها فشار بر آنها نوعی مظلومیت برای فکر دینی ایجاد کرده بود. فساد افسارگسیخته و بی‌اعتمادی از سوی دیگر سبب شد تا پس از سقوط رضاشاه، فضای جدیدی برای مذهبی‌ها فراهم شود. اکنون آنها از قدرت تشیع، اجرای احکام اسلام و حکومت اسلامی سخن می‌گفتند. همه اینها کسروی را وادار کرد تا شیعی‌گری را بنویسد و به نقد علما، روحانیون و تفکر شیعه پردازد. در مقابل دیگران نیز به پاسخ‌گویی پرداختند و دامنه این بحث‌ها توسعه یافت. به نظر می‌رسد همزمان دو بحث پیش می‌رفت. یکی در حوزه سیاست و به قول کسروی سررشته‌داری بود و دیگری در حوزه تمدن. بخش دوم - که موضوع بحث ماست - شامل سلسله نوشته‌ها و مقالاتی بود که در مطبوعات دینی انتشار می‌یافت. این مقالات و حتی کتاب‌ها، چنان‌که گذشت، سابقه داشت و اکنون زمینه برای طرح آنها بیشتر فراهم شده بود. موارد تمدنی مورد توجه، بخشی کلیات بود و بخشی شامل زمینه‌ها و رشته‌های خاص که به تدریج و به آرامی دنبال می‌شد. حتی مقالاتی درباره تاریخ علم نیز منتشر می‌شد. در اینجا بنای مرور محتوای این نوشته‌ها را نداریم، بلکه بحث بر سر آن است که مطابق خواست زمان و نیز بر اساس تغییری که در زبان و اصطلاحات مطابق آگاهی‌های نو و نیازهای تازه پیش می‌آمد، نوشته‌های تمدنی شکل می‌گرفت. این نوشته‌ها انواع و اقسام داشت و در حدود چهار دهه تا سال ۵۷، حجم قابل توجهی از آنها انتشار یافت. اگر تنها تعدادی از نشریات اسلامی مانند: آیین اسلام، مسلمین، ایمان، جلوه و بعدها حکمت، مکتب اسلام، مکتب تشیع، وظیفه و ندای حق را مرور کنیم، یا سالنامه‌های دینی آن دوره را ورق بزنیم، حجم قابل توجهی از نوشته‌ها و مقالات را می‌یابیم که ترویج نوعی گفتمان تمدن مثبت به نفع تفکر اسلامی - شرقی است. اینجا بنای ما بر اساس اختصار و گزیده‌گویی است. به همین دلیل به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم.

میل به نوشتن درباره تمدن اسلامی در نوشته‌های مذهبی‌های این دوره نسبتاً گسترده است و حتی می‌توان از نشریاتی، مانند نامه آستان قدس و همین‌طور بعدها نشریه معارف اسلامی اوقاف یاد کرد که کاملاً رویکرد تمدنی داشتند. نگاهی به فهرست مقالات این مجلات می‌تواند این رویکرد را نشان دهد. نشریه معارف اسلامی که نخستین شماره آن در سال ۱۳۴۵ش انتشار یافت و به طور کلی تأثیر سید حسین نصر از نویسندگان جدی در حوزه تمدن اسلامی توجه به انبوه مقالات تمدنی را نشان می‌دهد؛ به طوری که مقالات آن، حاوی اطلاعاتی درباره تاریخ علوم اسلامی، زندگینامه شخصیت‌های معروف علمی از جدید و قدیم و تفسیرهایی از ابعاد مختلف تمدن اسلامی است. در این مجله، مقالات بسیار باارزشی به صورت تألیف و ترجمه در حوزه تفکر اسلامی، تاریخ علم شامل مباحث نجومی و جز آن و نیز ترجمه برخی از رسائل قدیمی، مانند رساله مقریزی درباره نقود و سکه‌ها به وسیله احمد آرام منتشر شده است.

شماره اول - سال اول
 شهرآورد ۱۴۴۵

در این شماره:

صفحه	نویسنده	عنوان
۳	-	پیش گفتار
۶	استاد سيد محمد كاظم عصار	علم در زبان قرآن و اخبار
۹	از تقریرات استاد سيد ابوالحسن رفیعی قزوینی	سخن در وحدت وجود
۱۰	استاد سيد محمد حسين طباطبائی قمی	كیفیت پیدایش شیعه و نشو و نماى آن
۱۶	دکتر سيد حسين نصر	نکاتی چند درباره سهروردی
۱۹	استاد ابوالحسن شعرانی	تفصیل آیات
۲۴	دکتر محمد جواد مشكور	الرسالة الفارقه والملحة الفاتحة
۳۶	دکتر محمود نجم آبادی	سیمای طبی رازی
۴۱	دکتر یحیی نوری	تفسیر و تطورات و شکلهای آن
۴۵	عبدالحسين سینتا	معماری اسلامی
۴۹	شريف زاده	مطالعه علوم قرآنی - وحی
۵۲	دکتر محمد جواد مشكور	صائبین
۶۴	احمد آرام	دو حکایت از عجایب الهند
۶۸	-	اخبار سازمان اوقاف

معارف اسلامی
 نشریه سازمان اوقاف
 تئانی: خیابان فرانسه - تهران
 چاپ سکه

فهرست مقالات
 شماره نخست مجله
 معارف اسلامی
 اوقاف

شماره ششم

در این شماره:

صفحه	نویسنده	عنوان
۵	استاد سيد محمد كاظم عصار	علم الحديث
۱۷	استاد ابوالحسن شعرانی	تفصیل آیات
۲۵	دکتر سيد حسين نصر	گزاشی از اولین مجمع علمی
۳۱	سيد جلال الدين آشتیانی	درباره تشیع در مغرب زمین
۳۴	پروفیسور هانری کرین	چهره های درخشان
۴۷	سيد جلال الدين آشتیانی	خانه کعبه و دوازدهمین آن از نظر قاضی سعیدقمی
۵۲	دکتر محمد علی حکمت	تصوف در اسلام
۶۰	حکمت آل آقا	مسأله روابط علم فقه و علم حقوق
۶۵	حجت بلاغی	داخلی و بین المللی
۷۰	دکتر محمود نجم آبادی	علوم قرآن
۷۵	ترجمه: احمد آرام	شخصیت جابرین حیان
۸۲	دکتر مهدي حسینی شیبانی	کتاب الجندی والحصبه
۸۶	جمال الدين شیرازیان	علم و تمدن در اسلام
۹۵	محمد ریاض خان	سرچشمه دانش رازی در سنت کیمیا
۱۰۰	صلاح الصاوی	شیخ مفید
۱۰۹	کر دآوری محمدتقی دانش پژوه	خدمات امیر کبیر سیدعلی همدانی
۱۲۰	-	در شبه قاره پاکستان و هند
		شیخ روزبهان
		وقننامه روستای الاروق و ...
		نامه رسیده به دفتر مجله معارف اسلامی

فهرست مقالات
 شماره ششم نشریه
 معارف اسلامی
 اوقاف

از اوایل دهه بیست قرن چهاردهم خورشیدی یک پرسش برای مذهبی‌ها، رابطه تمدن و اسلام بود. به همین دلیل تمایل به نوشتن در این باره در آنها وجود داشت. در واقع این تمایل نوعی شعور و محصول شرایط تاریخی خاص آن دوره بود. طبیعی است که موضوعات مختلفی در این باره به ذهنشان می‌آمد، اما اصل مسئله مهم بود. تمدن چیست و رابطه اسلام و تمدن چگونه است؟ مقاله زیر در سال ۱۳۲۳ در مجله آیین اسلام منتشر شد:

اسلام و تمدن

فصل در داله ان یهدیه بشر صدره للاسلام

و لم یهتم بامور المسلمین لیس منهم و جدأ از فحشاء و بدی و ابتداء بخلق و آزار بر مردم و خرافات و موهومات و چیزهایی که عقول را از ادراک حقائق را کد و متوقف میسازد جلوگیری و ممانعت آکرید مینماید ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ابتداء بالقریب و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی و ریشة ظلم و ستم را از بیخ و بن قلع و قمع مینماید اگر بخواهیم اثبات تمدن اسلامی و انحصار آن در اسلام نمائیم سخن بدرازا خواهد کشید و از روش نویسندگی و حوصله این مختصر بیرون است یکی از مزایا و فضائل برجسته اسلام که زبان بگردان را از دوست دشمن بستایش خود گشوده و پیوسته توجه خردمندان و حقیقت شناسان را بخود جلب میکند اینست که تعالیم اسلامی و حقایق عالی قرآن روی یک پایه و منطقی صحبت میکنند کبشر هر چه در تمدن علمی و صنعتی و پیشرفت در ادراک معلومات و حقایق علمی کند بقیتهای هر عصری نمیتواند از تعالیم اسلامی خارج و کاملاً حقایق اسلام بامعلومات آن دوره عصر توافق دارد بلکه آن را تایید مینماید و می توان رموزی و اسراری که به بازاری افکار

هوسران و شهوت پرست که جز ماده پرستی هدف دیگر ندارند دم از این سخنان میزنند و خود را طرفدار تمدن تصور می کنند چه قدر کور دل و تیره روان و بی دانش و انصاف کشند و بر خلاف وجدان سخن میرانند که دین اسلام اصولاً مخالف تمدن است - این بیچارگان ندانسته و نتوانسته اند در بابت دین مقدس اسلام پایگاه تمدن و اساس و سازمان آن روی نقطه مرکزی صحیح استوار و بر پا شده و بیرون خود را همواره به متانت - حریت - شهامت - مردانگی - آزادی فکر و عقیده - اخلاق نیک - احسان به هموع - و مکرر امر به تحصیل علم و دانش و هنر که اساس و محور تمدن امروز است امر و تشویق میکنند قل انظر و اماذانی السموات و الارض و هم در خصوص طلب دانش می گوید اطلبو العلم ولو با لصدین - و هم در جای دیگر اطلبو العلم من الیهد الی اللهد از اینها بالاتر علم و دانش را فریضه علی کل مسلم و مسلمه میداند شمارا بخدا آئینی که تا این اندازه اساس و مبانی آن روی معارف و دانش و هنر و فعالیت و حریت و دقت نظر و کنجکاری در اسرار طبیعت و رموز خلقت

تمدن چیست و تمدن کدام است؟ آیا تمدن غیر از اینست که انسان کاملاً بوظایف انسانیت و آدمیت و حفظ حقوق جامعه بشری عمل نموده از توحش و بربریت خود را پاک دارد و از رذائل اخلاقی و سوابب انسانیت و نقائص بشری آئینه جمال حقایق و فضائل را پوشیده ندارد؟ و بالاخره خود را تزکیه و محلی بصفات پسندیده نموده خدمت به برادران نوعی خود و اصلاح مفاسد نماید. یا مراد بقول نجوین لفظش مراد است و ابدا کار بمعنی و حقیقت آن نداریم - نه هر که سر تراشد قلندری داند نه هر که آئینه سازد سکندری داند. و مرغان قاف داند آئین پادشاهی.

ما از این واژه بر معنی فقط و فقط اکتفاء به تظاهرات و تکلفات و شاخ و برگ آن نموده از حقیقت و اصول آن چشم پوشی کرده ایم و در فکر و اندیشه آنت نیستیم که حقیقت تمدن را بدست آوریم - چه گزیده نظراتی و چه تیرموراناتی که عقیده و کمالشان اینست که ملت اسلام که بدستور قرآن رفتار و بنوامیس آن معتقدند دور از تمدن بلکه اصولاً اسلام مخالف تمدن بوده و ترقی بشر است - این سخن

برای نمونه از بخش های مختلف این قبیل نوشته ها، در ده موضوع، یک تا چند مورد از کتاب ها و مقالات را انتخاب کرده و تصویر آن را آورده ام تا بهتر بتوانیم فضای بحث را ترسیم کنیم.

۱. یکی از موضوعاتی که در این نوشته ها بر آن تأکید شده، احیای موارث شرقی برای بازآفرینی تمدن در مقابل فرهنگ غرب است؛ موضوعی که نگارش درباره آن در تمام این دوره فعال بوده و پس از انقلاب اسلامی ۵۷ نیز دنبال شده است. نویسندگان از ستمی که در دوره رضاشاهی به مدارس سنتی وارد شده یاد می‌کند. مدارسی که روزگاری همه آباد بودند، اما وقتی در سال ۱۳۱۹ به مشهد رفته، آنها را ویران دیده است. مقصودش از حفظ موارث سنتی و شرقی این است که این رشته آموزش حفظ شود

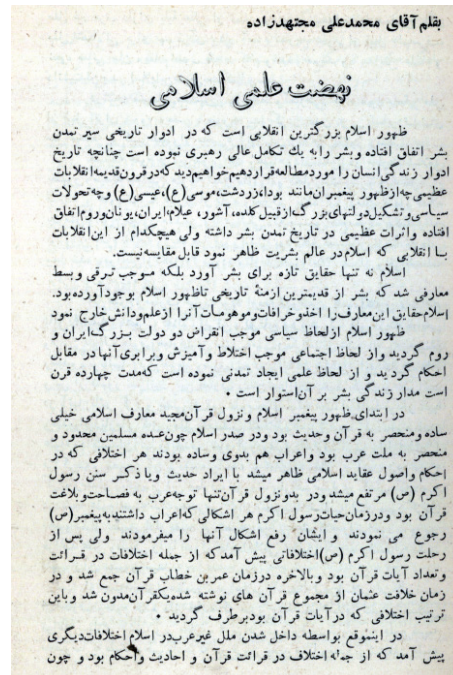
و صد البته تأکید می‌کند که هدفش دورشدن از آموزش‌های نوین نیست. وی همین تفسیر را درباره مدارس اصفهان و تهران نیز دارد. او معتقد است این مدارس باید آباد بماند و «به جهانگردان ملل متنوع نمایانده شود تا سلیقه فنی و احساسات علمی و وطنی ما را ببینند و به تمدن و تکامل ما اعتراف کند». (ایمان، سال اول، ص ۵۷۹)

۲. بخشی از مقالات، نوشته‌هایی از کتابی در حوزه تمدن اسلامی درباره مسلمانان است. این نگاه به تمدن اسلامی زاییده حس تمدنی ما نسبت به گذشته است که طبعاً مستنداتی هم دارد. غالباً در این بخش به مقایسه دنیای اسلام با «قرون وسطی» پرداخته می‌شود، با تأکید بر اینکه آن دوران، عصر ظلمت و تاریکی بوده است؛ اصطلاحی که خود غربی‌ها روی آن پافشاری داشتند و از دانشی که در دنیای اسلام در مقایسه با آن بوده، ستایش می‌شود. طبعاً در این باره غربی‌ها هم ایده‌هایی دادند و مسلمانان دنبال آن را گرفتند. هر چه از نظر زمانی جلوتر می‌آییم، این قبیل آثار بیشتر می‌شود، اما از دهه بیست، مقالاتی در مطبوعات در این باره وجود دارد. یکی از مجلاتی که از این دست مقالات فراوان داشت، مجله جلوه منتشرشده در دهه بیست است. نمونه آن، مقاله زیر از محمدعلی مجتهد زاده با عنوان «نهضت علمی اسلامی» است که ادامه آن در شماره‌های بعد نیز درج شده است.

مشابه مقاله بالا درباره نهضت علمی مسلمانان، مقاله استاد شفیع کدکنی در مجله نامه آستان قدس (اردیبهشت ۱۳۴۰، شماره ۵، ص ۲۴-۲۹) با همین عنوان «نهضت علمی اسلامی» است. ایشان از «گذشته پرشکوه و افتخارآمیزی» سخن می‌گوید و در همان سطور نخستین یادآور می‌شود که نباید «با نگاه به پشت سر خود را از پیشرفت کنونی بازداریم، بلکه مقصود من آن است که از شراره‌های فروزان دانش و بینش گذشتگانمان که از میان خاکستر سرد قرون می‌درخشد نیرو بگیریم». آقای شفیع از دو نهضت علمی بزرگ دنیا یاد می‌کند، یکی «نهضت عظیم اسلامی» و دیگری «رنسانس» با تأکید بر اینکه هر دو زاییده اسلام‌اند. درباره شور و نشاط مسلمانان در حوزه علوم و فنون در کنار شور آنان برای گسترش آیینشان، شاهدی از گوستاولوبون می‌آورد. سپس از شاخه‌های علوم مختلف سخن می‌گوید و تعبیری



از نشریه ایمان، محمود شهبای استاد دانشگاه تهران (در پاورقی آمده است که مقاله سال ۱۳۲۰ منتشر شده و در نشریه ایمان ۱۳۲۵ تجدید چاپ شده است).



شعبه کلامی

نصرت علمی اسلامی

گذشته بر شکوه و افتخار آمیزی را، که پشت سر گذشته‌هایم نباید بگم از یاد برده و فراموش کنیم. بلکه باید همیشه کاخ زردین و روش آینده‌ای را که در ذهن ترمیم میکنیم بر اساس پایه‌های محکم و استوار این گذشته بنیان گذاری نماییم، تصور نشود که میخواهم بگویم: با نگاه به پشت سر خود را از پیشرفت کنونی باز داریم بلکه مقصود من آنست که از شراره‌های فروزان‌داش و پیش گذشتگانمان که از میان خاکستر سردی سردی می‌رویدند تیر و بگیزیم و بسوی هدف انسانی بزرگی که قرآن ما را بدان راهنمایی میکند و گذشته‌نگاران را نیز چنین افتخار بزرگی دتناویخ بشریت بخشیده است پیشروی کنیم.

زیرا با توجه به گذشته روشن و پیاپی که بزرگ خود در صحنه تاریخ بهتر میتوانیم مقام حقیقی خود را درک کنیم. و تا وقتی چشم بآینده داریم، باید بر اساس گذشته و تجارب پیشین ما باشد و از میراث بر شکوه و باستانی خود دفاع کنیم شاید هنگامیکه عظمت روزگار پیشین خود را با وضوح کنونی مقایسه کنیم: توانایی بیشتری برای آینده‌های درخشان در خود احساس نماییم.

تأثر ادبی اسلام بر ادب اروپا از این گته **پروفیسور سچپ** نویسنده بهش ادبی میراث اسلام به خوبی میتوان کرد و امیدگویی به آینده‌است که مشرق یعنی اسلام، جاده جدیدی برای اروپاییان باز کرد تا ادبیات بهام کنونی رسیدند و شماری فرانسه تاثیر نفوذ سبک اشعار عربی قرار گرفته (۶) شاید این موضوع در نظر بعضی ما دور باشد ولی برای نمونه تاثیر رسالة الغفران

- ۱ - دنیای علم شماره ۵۴۳
- ۲ - سالنامه نوردانش سال ۱۳۲۸ - ۳ - هنرهای مسلمان صفحه ۶۲
- ۴ - مجله دنیای علم شماره اول سال اول
- ۵ - تمدن اسلام و عرب صفحه ۲۴۹ باید توجه داشت که نویسنده (یعنی کوستاولوبون) در سال ۱۸۴۱ متولد شده و در ۱۹۳۱ در گذشته است بنابراین سالان درازی از زمان اظهار این موضوع نمی گذرد
- ۶ - میراث اسلام ۸۰ - ۸۱

هم از «استاد شریعتی» [پدر] می آورد که مسلمانان سراغ علمی رفتند که «انجام وظایف دینی شان» ایجاد می کرد. شواهدی هم از عمر فروخ درباره پیشرفت علوم می آورد. مقاله استاد شفیعی بعدها توسط آقای حکیمی در دانش مسلمین (ص ۱۰۰، ۱۳۷) مورد استناد قرار می گیرد. بخش دوم این مقاله در شماره ششم نامه آستان قدس (ص ۱۷-۲۴) منتشر شده است.

۳. نمونه دیگر درباره جریانی است که بر تأثیرگذاری تمدن و علوم اسلامی بر اروپا و به طور کلی جهان تأکید دارد و می کوشد به مقایسه این دو تمدن در دوره‌ای بپردازد که اروپا عقب مانده بود و از علوم شرقی بهره می برد. در این باره نویسندگان غربی و بعدها عرب ها هم مطالبی نوشتند و به تدریج به فارسی ترجمه شد و انتشار یافت و در هر حال تأثیر مهمی بر روحیه مسلمانان داشت. مقاله زیر از فلیپ حتی است که احمد منزوی آن را از مجله الهلال مصری به فارسی ترجمه کرده است.

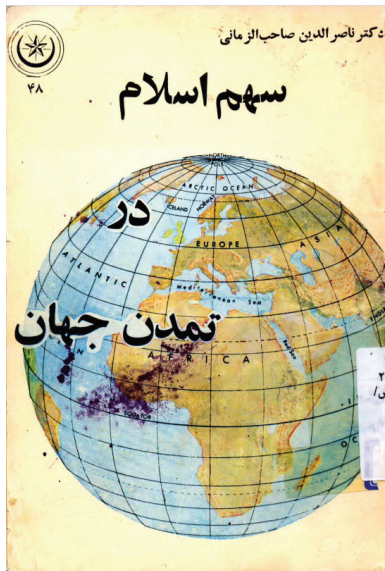
یک نمونه دیگر ترجمه مقاله‌ای از لوتی ماسینیون درباره همکاری مسلمانان در پیشرفت تمدن غرب است. این مقاله در مجله معارف اسلامی اداره اوقاف در فروردین ماه سال ۱۳۵۰ خورشیدی (ص ۷۶ به بعد) منتشر شد.

نمونه دیگری از تأثیر تمدن اسلامی بر جهان، کتاب کوچکی شامل ۵۴ صفحه است که با عنوان سهم اسلام در تمدن جهان توسط ناصرالدین صاحب الزمانی نوشته شد و انتشارات بعثت در سال ۱۳۵۳ آن را منتشر کرد که چندین عنوان کتاب درباره تمدن اسلامی با عناوین مستقیم و غیرمستقیم را در کارنامه خود داشت. پشت جلد کتاب نوشته شده است:

اسلام پایه گذار دانشگاه‌هایی به معنای جدید کلمه است. فرهنگستانی مانند بیت الحکمه و دانشگاهی نظیر نظامیه در بغداد و در نیشابور از مراکز علمی بودند که بورس تحصیلی می دادند و این بورس ها از محل وقف بود ... نظامیه بغداد، مهمانسرا داشت و دارای پارکینگ بود (ص ۳۹)

فهرست مطالب

۵	۱- سهم اسلام در تمدن جهان
۵	۲- چرا نسبت گذشته بی‌خبرند؟
۹	۳- بی‌خبری از حال به چه علت است
۱۳	۴- اهام و گجی در مورد آینده
۱۸	۵- سه بعد اسلام
۲۵	۶- اسلام: تجدید پیام
۲۷	۷- قرآن و روشنگری
۲۹	۸- ابلاغ آرمان برای جهانی بی‌آرمان
۳۳	۹- تمدن اسلامی
۳۵	۱۰- پیام، نه پیام‌آور
۳۷	۱۱- ارکان تمدن اسلامی
۴۶	۱۲- اسلام، بانک فرهنگی
۴۹	۱۳- سه زبان فرهنگی جهانی
۵۱	۱۴- پرش‌ها



فهرست مطالب کتاب سهم اسلام در تمدن جهان ناصرالدین صاحب‌الزمانی

از همین عبارت می‌توان نگاه تمدنی را در این نوشته و مدل آن را دید. عناوینی که در فهرست مطالب آمده گویای محتوای صریح آن است.

۴. نمونه‌های فراوانی از کتاب و مقاله داریم که در امر تمدن، به پدیده عقب‌ماندگی و انحطاط پرداختند و درباره علل آن قلم‌فرسایی کردند. این سبک شاید از بقیه قدیمی‌تر و پررونق‌تر باشد. می‌توان گفت نخستین نکته‌ای که درباره تمدن به ذهن آمد، این بود که تفاوت مسلمانان با اروپای پیشرفته در چیست و چه عاملی سبب این انحطاط شد؟ تعداد زیادی کتاب به زبان عربی درباره علل عقب‌ماندگی مسلمانان نوشته شد. برخی از آنها به فارسی ترجمه شد. در ایران نیز صاحب‌نظران زیادی در این باره نوشتند که یکی از آنها از آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی بود.

از دل بحث‌های انحطاط، تذکر و توجه به گذشته مطرح شد و از آن مباحث تمدنی درآمد. نمونه زیر از عباس مهاجرانی است که بعدها خودش از مطبوعاتی‌های فعال شد. این مقاله در نشریه هفتگی آیین اسلام (۹ بهمن‌ماه ۱۳۲۶ ش) منتشر شد.

کتابچه‌ای هم با عنوان سر عقب افتادی ملل مسلمان از مهدی بازرگان هست که اصل انگلیسی آن در سال ۱۳۲۹ در مجله اسلامی - پاکستانی لندن منتشر شد و بعدها در جشن عید فطر سال ۱۳۳۸ ش ارائه و مجدداً منتشر شد.

۵. بخش دیگری از این مقالات به وجوهی از زندگی اجتماعی و اقتصادی پرداختند؛ اینکه اسلام،

نویسنده: دکتر فیلیپ جتی
استاد دانشگاه کلمبیا در نیویورک

ترجمه: آقای احمد منزوی
از مجله الهلال مصر

علوم شرق اسلامی چگونه اروپا رفت؟

در پاییز هر سال میبینم که کشتی‌ها شماره بزرگی از استادان امریکایی و فرانسوی و انگلیسی را در ساحل مصر و سوریه فرود می‌آورند؛ اینان برای نشر و ترویج زبانهای انگلو ساکسون ولایتین و تلمیح مبادی و اصول فلسفی اروپائی می‌آیند.

اما نکته که در اینجا جلب توجه میکند این است که نه فقط علم از غرب بشرق آمده و می‌آید، بلکه غرب نیز در ازمه پیش سالیان شتادسی از منابع شرقی میریاب شده است.

مسئله اول امر تازه است، ولیکن قسمت دوم بسیار کهنه و دودخودنوحه است!! تفاوت مهمی که میان این دو میباشد آنستکه سیلاب علوم شرق بدست اروپائیان بطرف غرب رهسپار شده ولی شرقیها برای بدست آوردن علوم مغرب زمین کوشش از خودیکار نبرده اند و اگر امروزه میبینیم که آن علوم در شرق رواج یافته مروهون همت غربیهاست که بدست خود علوم غرب را بشرق نقل مینمایند.

(تماس شرق و غرب در کوههای پیرنه)

تسلط سلسله براندلس اولین طقه تماس بین شرق و غرب و از سلسله حوادثی بود که در نتیجه آن علوم و معارف شرقی در غرب راه یافت.

هنگی نیست که فتوحات مسلمین در جنوب غربی اروپا و استواری ایشان در آن مدتی مدت چند قرن، سبب شده که از ایشان دانشندانی فائزین رشد و است خلدون و دیگران بظهور رسیده که در نتیجه فلسفه و علوم شرقی دوازدهان آسیایها و فراسویها و از ایشان بدیگران نفوذ یافت. همین‌چو مسلمین در اروپا سبب شد که کتابهایی که دانشندان ایرانی در دانشگاههای بخاری و الجزیره شام تألیف کرده بودند ترجمه شده و در اروپا منتشر گردید. ما فقط بکتابت قانون تألیف این سینه اشتیاد میکنیم، که چگونه دانشندان اروپائی آن را بکسانه برنامۀ پزشکی خود در مدت پنج قرن (۱۲-۱۷) فراز داده بودند. این کتاب درسال (۱۴۹۱م) بزبان عبرانی ترجمه شده و نسخه آن در سال (۱۵۸۳)

ارزش فرهنگی و جهانی همکاری متفکران ایرانی
قرون وسطی در پیشرفت تمدن عرب

از لوتی مایستونین
*استاد فقه‌تفکر فارسی و محدثه تبحر تالیف‌نویس
ترجمه دکتر منوچهر بیات مختاری
اندلسیاب دانشگاه سید

۲

در اینجا باید متوجه بود که انسان، اصولاً به بیان جلوه خدایندگی و آن کلام درون الهی که در اعماق قلبش وجود دارد علاقمند است. مسیویه نیز، که بزرگترین نحوی زبان‌پریمی بشمار میرود، همانند حلاج در پیشای فارسی بدینا آمده است. دو همان محکمه ایرانی که پیوسته اعصاب پستی بندبخت فتح شده و هم پیوسته آنان اسلام آورده است: همانطور که مسیویه همانطور اراده روش‌گری عیوشی بزبان عربی، اندیشه سامی را پذیرفته است. حلاج نیز برای تحقق قنطیبت الهیام قرآن، معما سامی شده است، ولی برای

۱- بار در تفسیر Paul de Taine
صفحه ۷۶

از دل بحث‌های انحطاط، تذکر و توجه به گذشته مطرح شد و از آن مباحث تمدنی درآمد. نمونه زیر از عباس مهاجرانی است که بعدها خودش از مطبوعاتی‌های فعال شد. این مقاله در نشریه هفتگی آیین اسلام (۹ بهمن‌ماه ۱۳۲۶ ش) منتشر شد.

کتابچه‌ای هم با عنوان سر عقب افتادی ملل مسلمان از مهدی بازرگان هست که اصل انگلیسی آن در سال ۱۳۲۹ در مجله اسلامی - پاکستانی لندن منتشر شد و بعدها در جشن عید فطر سال ۱۳۳۸ ش ارائه و مجدداً منتشر شد.

۵. بخش دیگری از این مقالات به وجوهی از زندگی اجتماعی و اقتصادی پرداختند؛ اینکه اسلام،

انحطاط مسلمین از چیردست

دردنمای امروز دیرامون علل انحطاط مسلمین جهان خاصه ایرانیان سخن بسیار و گفتگو زیاد است و عقائد اشخاص در این موقع اختلاف بسیار دارد و هر کس این عقب نشینی و تنزل فاحش مسلمین را ناشی از چیزی میداند و چون دو مقابل ممالک اسلامی کشورهای اروپا و امریکا و قسمتی از آسیا به آخرین مرحله از ترقی مظهری رسیده و دارای سرمایه و ثروت سرشار شده اند و بواسطه رشد در صنعت قهر در باها و جولای تنهای ام جعل جولان و تاخت و تاز خود فرا داده و کشف نیروی اتم نموده اند لذا عده ای از کوه نظران مادی همچو خیال میکنند که این بی سروسامانی و این اوضاع وقت بار که قاطبه مسلمین را فرا گرفته زاینده فقدان ثروت و صنعت است زهی اشتباه ایندسته اگر اندیشه را عمیق تر کرده و زیر و روی کار را بنگرند و از دیدة خالی از شائبه مادیت اسباب و علق ترقی و تعالی را نظر کنند خواهند دید که ثروت و صنعت بتهنای کافل سعادت بشر نبوده و نبود. آنها هم بطور کلی موجب اضمحلال و از بین رفتن هیچ قوم و ملتی نشده اند مسلمین در آن روزهای اول که شروع بجهانگیری کردند فائد تمام وسائل جنگی بوده و دست آنها از هر گونه ثروت و صنعتی تهی بوده در عین حال بایشرفنای شایان و موفقیتهای قابل توجهی مواجه بودند و توانستند در اندک زمانی قیصره روم و سلاطین عجم را متزلزل کرده و جهانی را تصرف شوند که صفحه تاریخ برای همیشه آن فتوحات درخشان را بنام مسلمین درخود ثبت کرده است پس یگانه چیزی که شخصیت و عظمت مسلمانان را از بین برد و بسادات چندین صدساله آنها خانه داد همانا فرورفتن در گردابهای ژرف و عمیق شهوت رانی و از دست دادن یک سلسله ملکات فاضله انسانیت و بالجمله خارج شدن از دایرة اخلاق و وارد شدن بهحیط بد اخلاقی و زشتکاری بوده بلی بقای هر قوم و ملتی و استقلال هر طایفه ای وابسته باخلاق نیکوی آنها از قبیل شجاعت، شهامت، سخاوت، عفت، عصمت، وطن دوستی، امانت داری، وفاء، عاطفه، اکتفا بحق خود، دفاع از حقوق خود، هموع و وو... میباشد آنها هم ناموقی که واجد این صفات بودند سعادتمند بودند ولی متأسفانه در اثر تلبیفات سوء بیگانگان و غفلت زمامداران و فعالیت اهریمنان همه آن ملکات فاضله را از دست داده و اخلاق و ذیله و نکوهیده در میان آنها شایع شد. پیغمبر بزرگوار اسلام علت غائی و هدف اصلی از بعثت و نهضت خود را تهذیب اخلاق بشر و ارتقاء روحی آنها قرار میدهد کولبر فیلسوف معروف میگوید بزرگی و عظمت یک کشور بسته بهسوء خاک آن نیست بلکه مربوط باخلاق و جرات و وحی اعلی است و هر سون حکیم شهر نیز میگوید مساجیان اخلاق و روح جامعه خود هستند پس بر هر فرد خرمدانه و اسان بینائی معلوم و میرهن است که سعادت و خوشی سعادت و آقائی و عزت و رادرسایة اخلاق نیکو میتوان یافت و بس. و ثروت و صنعت هم وقتی مؤثر در ارتقاء و نیکیبختی است که دودست مردمان اخلاقی بوده باشد.



اقتصاد ویژه خود را دارد و با اتکای به آن، هم از نظر تحلیل گذشته مسلمانان و هم آینده برای داشتن یک تمدن، اطلاعات و دانش لازم در این زمینه به دست می آید. این قبیل مقالات همزمان به استخراج نظریه اقتصادی در اسلام می پرداختند و نگاهی تاریخی هم به نظام مالی اسلام در گذشته داشتند. این فعالیت علمی پیش از ایران در کشورهای عربی وجود داشت و از زمانی که مارکسیسم وارد این کشورها شد و نقش فعالی در جنبش های سیاسی بر عهده گرفت، این حس در مسلمانان نخبه برانگیخته شد تا تصویری از اقتصاد اسلامی نشان دهند که بتواند در مقابل آن تاب بیاورد. طبعاً در ابواب کتب فقهی و نیز تجربه تاریخی مسلمانان از این دست منابع و افکار و آراء فراوان بود. مقاله زیر در مجله خرد در سال ۱۳۲۸ خورشیدی منتشر شد. در این مجله، سری مقالاتی در زمینه اقتصاد اسلامی منتشر شد.

مشابه پرداختن به حوزه اقتصاد و ارائه تصویر تمدنی از آن در تمدن اسلامی، در حوزه سیاست و نظام سیاسی نیز همین تجربه، بلکه در افقی گسترده تر وجود داشت. باید به همه اینها مقالاتی را افزود که از دید تربیتی به گذشته مسلمانان می نگرستند.

۶. در دهه چهل و پنجاه، دو جریان تمدن نگاری با هم ترکیب می شد. نخست جریان تمدن اسلام که از آثار غربی و بعد عربی برآمده بود. دیگر آنکه به تدریج با توجه به اهمیت یافتن نقش ایران در تمدن بشری و تمدن اسلامی، تمدن نویسی رنگ ایرانی هم به خود گرفت و این ناشی از شدت گرفتن تفکر ایران گرایی در بدنه دستگاه پهلوی بود که بر این امر تأثیر داشت. خدمات متقابل اسلام و ایران عنوان مقاله مهدی بازرگان منتشر شده در کتاب «دین در جامعه» ص ۱۰۳ - ۱۵۶

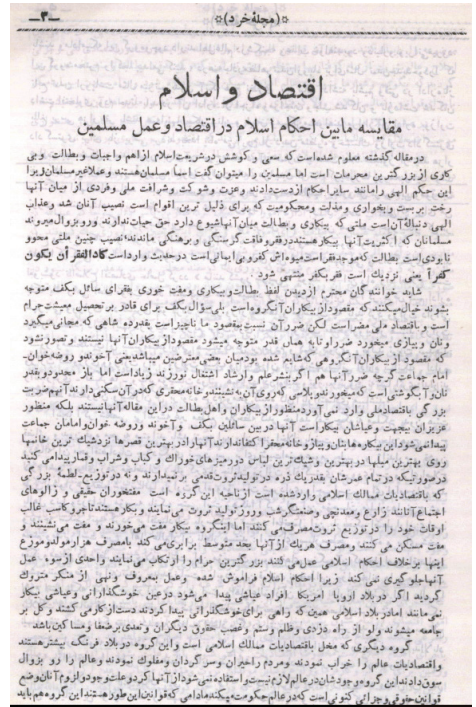
سر عقبت اتنان گی ملک مسلمان

چاپ دوم
 تجدید نظر و تکمیل شد

چاپ اول این مقاله دسامبر ۱۳۲۹ بزبان انگلیسی در مجله اسلامی پاکستان لندن The Islamic Review شماره ۱۰۵۱ درج شده بود است.
 در جشن عید فطر سال ۱۳۳۸ انجمن اسلامی دانشمندان نیز در زمینه آن سخنرانی شد.

کتابی از مرحوم مطهری در ادامه همین جریان بود. آن اثر بیشتر پاسخ به گفته‌های کسانی بود که بر ایرانی‌گری تأکید داشتند و نقش ایران دوره اسلامی را در مقابل دوره‌های قبل از اسلام کم‌رنگ نشان می‌دادند. در این زمان با روشی که دکتر نصر و بسیاری دیگر داشتند، «اسلام و شیعه و ایران» بایستی در کنار هم قرار می‌گرفتند. تئوری فراگیر این بود که تشیع نوعی اسلام ایرانی است که رنگ عرفانی - فلسفی دارد و میراث دار شرق قدیم نیز هست. از سوی دیگر روشن بود که بسیاری از آثار مهم اسلامی، در حوزه ایران شکل گرفته بود و اکنون می‌شد از اهمیت نقش ایران با رنگ و لعاب اسلامی یاد کرد. به همین دلیل موضوعاتی پدید آمد که دو طرفه بود. در جهان عرب از علوم اسلامی به عنوان علوم عربی یاد می‌شد و حتی بعضی از غربی‌ها هم همین خط را دنبال کردند، اما در ایران تفاوت نژاد، گویی فاصله‌ای در این میانه ایجاد کرده بود و لازم بود در این باره، یعنی تأکید بر نقش ایران، «تأکید» خاص در کار باشد. نویسندگان ایرانی از اینکه تمدن اسلامی رنگ عربی به خود گرفته نگران بودند و تلاش می‌کردند بر سهم ایران تأکید کنند. به همین دلیل بود که مقالاتی با عنوان تمدن اسلامی - ایرانی در این دوره نوشته می‌شد. مقاله زیر در مجله معارف اسلامی اوقاف (شماره ۱۳، ص ۲۶-۳۰، شهریورماه ۱۳۵۰) منتشر شده است.

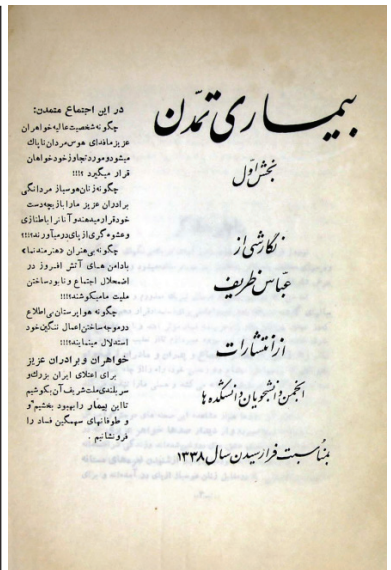
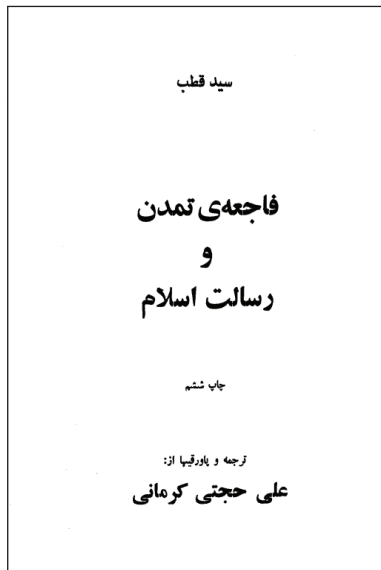
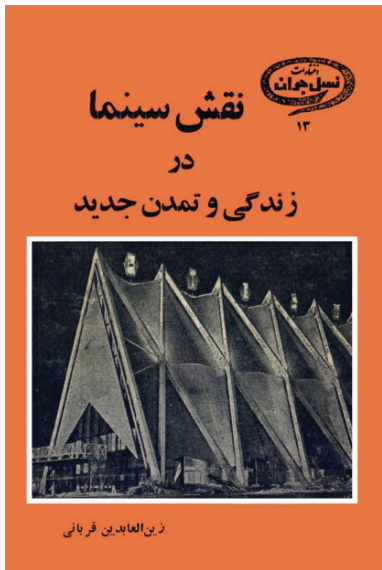
۷. سخن گفتن از فساد و تباهی در تمدن جدید و اینکه اساساً تجدد، موجود این فساد است، به طور مکرر در ادبیات انتقادی از تمدن جدید دیده می‌شود. مقایسه ارزش‌های غربی با سنت‌های دینی و اسلامی، آن هم در حالی که تعداد زیادی از مردم عمیقاً به ارزش‌های دینی باور دارند، زمینه‌ای برای شکل‌گیری این نوع ادبیات است. به مرور که دامنه سینماها بیشتر شد و مراکز فحشا در شهرها گسترش یافت، زمینه توسعه این ادبیات در قالب‌های مختلف فراهم و در این زمینه کتاب‌های زیادی نوشته شد؛ از متن‌های ساده و ادبی تا پژوهش‌های روزنامه‌نگارانه درباره آثار جرم و جنایت و فساد. تأثیر این نوشته‌ها بر جامعه ایرانی به ویژه خانواده‌های سنتی بسیار زیاد بود. در این زمینه آثار بسیاری نوشته شد، اما یک نمونه که کوشیده فهرست‌وار به انواع فسادهای اخلاقی در جامعه اشاره



صادق نجات
مجله معارف اسلامی، فروردین ماه ۱۳۵۰



معارف اسلامی



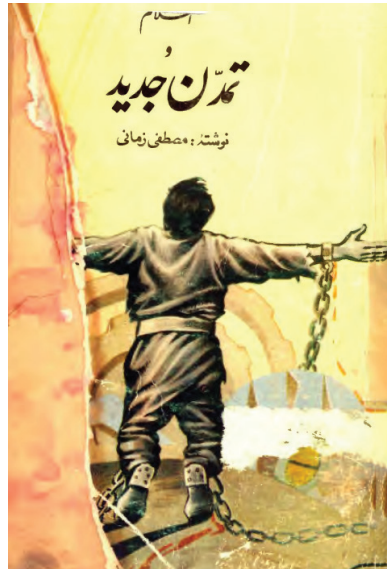
کند، کتابچه‌ای ۲۷ صفحه‌ای از شخصی به نام عباس ظریف است که به عنوان دانشکده حقوق در انتهای آن امضا کرده است. این کتابچه در سال ۱۳۳۸ منتشر شد و چنان‌که گذشت، دامنه این بحث‌ها بعد از آن توسعه یافت.

حجم قابل توجهی کتاب در نقد تمدن غرب به اعتبار منشأ فساد در مقایسه با آنچه در تمدن اسلامی بود عرضه شد؛ کاری که در اندیشه‌های اخوانی به‌ویژه نوشته‌های مودودی، سید قطب و برادرش محمد قطب به وفور وجود داشت. نمونه آن کتاب فاجعه تمدن و رسالت اسلام بود که علی حجتی کرمانی ترجمه کرد و در سال ۱۳۵۱ منتشر شد. نویسنده گزارش مفصلی از آثاری که در نقد تمدن غرب در ایران نوشته شده و بیشتر متمرکز بر چهار اثر است، در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات نقادی تمدن غرب در قم» (در سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۵۷) نوشته که در مجموعه دوم «صدسالگی قم» (ص ۳۳۹-۳۹۸) منتشر شده است.

بخشی از این نوشته‌ها به‌طور خاص درباره پدیده‌های ویژه‌ای بود که تمدن غرب وارد ایران و دیگر کشورها کرده بود و مسلمانان از بابت فساد که از آن طریق رواج می‌یافت، به آن می‌پرداختند. سینما یکی از این پدیده‌ها بود که آثار متعددی درباره آن اعم از کتاب و مقاله نوشته شد. در قم کتابی با عنوان نقش سینما در زندگی و تمدن جدید توسط یکی از شاگردان مکتب آیت‌الله ناصر مکارم در سال ۱۳۵۱ منتشر شد.

نقد تمدن غرب امری بود که به‌آسانی در ادبیات تمدن‌نگاری ایرانی به کار می‌رفت. مذهبی‌ها دلایل خود را داشتند و چنان‌که اشاره شد، درباره جنبه‌های ویرانگری تمدن غرب به‌آسانی مطالبی می‌نوشتند. منبع آنها روزنامه‌ها و نشریات اغلب زرد بود که اغلب اخبار شگفتی از عالم غرب نقل

می کردند. مصطفی زمانی یکی از نویسندگانی بود که در این باره کتابی با عنوان اسلام و تمدن جدید منتشر کرد و سبک او شناخته شده بود. پیش از او کتابی با عنوان اسلام و تمدن غرب از مودودی منتشر و توسط ابراهیم امینی ترجمه و منتشر شده بود. این ادبیات در داخل ایران هم بود. مشابه آن را جلال آل احمد با عنوان غرب زدگی نوشت. روشنفکران ایرانی اغلب به همین سبک و سیاق می نوشتند. مصطفی زمانی در این کتاب در چند فصل، ضمن مقایسه اسلام و غرب سعی می کند امتیازات اسلام را بر فرهنگ غربی نشان دهد. اولین بخش از کشاورزی است و درباره امنیت، هنرهای زیبا، دامپروری و دین هم بحث می کند. در بخش دوم درباره کلیسا و فعالیت های آن علیه دین، کهنه پرستی در غرب، نهضت علمی مسلمانان و نقش اسلام در تمدن اروپا بحث می کند. در بخش سوم از ارمنان تمدن جدید شامل بی عفتی و بی حیایی، رقص، عیش و نوش، خرافه پرستی، کشتارهای دسته جمعی و مسائلی از این قبیل بحث می کند. در این تصویر، غرب منجلا ب فتنه، فساد، آدم کشی و بی عفتی است. در آخرین گفتار هم از اشتباه بزرگ ما و خودکشی تمدن جدید یاد کرده است. کتاب در ۲۷۸ صفحه در فروردین ماه سال ۱۳۴۸ منتشر شده است. مشابه این مطالب را در سیمای تمدن غرب از سید مجتبی لاری هم می توان دید.



اسلام و تمدن جدید،
مصطفی زمانی، قم،
۱۳۴۸ ش

۸. در یک دوره سیاست فکری بر این بود تا اهمیت ایران در جهان شناخته شود. این مسیر با تحقیقات مستشرقان ایران شناس آغاز شد. پیش از آن، عرب شناسان که اسلام شناس هم بودند، اغلب تحقیقاتشان متمرکز بر عرب بود. حتی عنوان اصلی کتاب گوستاولوبون تمدن عرب بود. این مسئله برای ایرانی ها خوشایند نبود. از سوی دیگر در دوره رضاشاه سیاست ایران گرایی زمینه را برای بحث درباره تمدن ایرانی مستقل از اسلام فراهم کرد. متدینان ایران دوست هم بر ایران اسلامی تأکید و تلاش می کردند از نقش ایران در تمدن اسلامی سخن بگویند. در این تفسیر، ایران بخشی از تمدن اسلامی بود که اهمیت هم داشت. دانشمندی که در جغرافیای ایران می زیستند، فراوان بودند. در این زمینه، خراسان بزرگ و ماوراءالنهر هم به عنوان ایران مورد تأکید قرار می گرفت. بنابراین در اینجا سه مسیر وجود داشت:

الف) تمدن عرب که آن را اسلامی می دانستند.

ب) تمدن ایران به عنوان مشارک در تمدن اسلامی

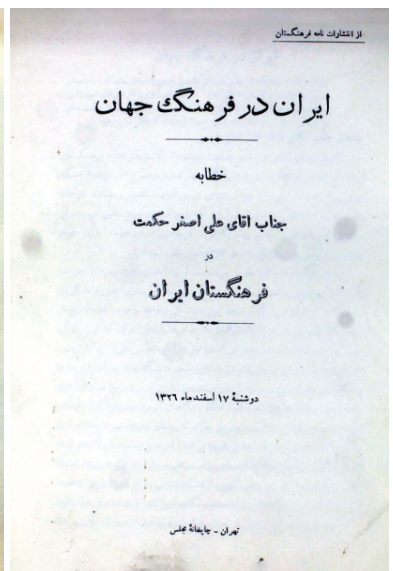
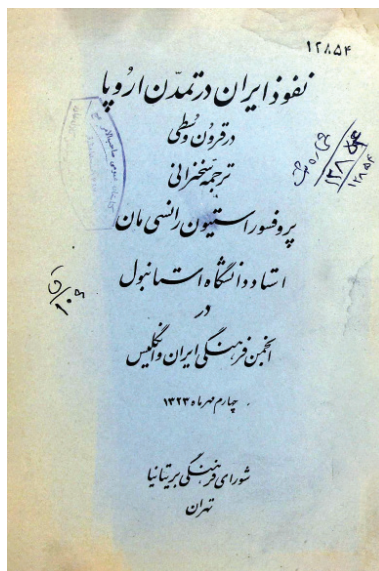
ج) تمدن ایرانی فارغ از اسلام که بسیاری بر آن تأکید داشتند.

هر چه بود، قرار بود در دو بخش اخیر بر «ایران» و تمدن آن تأکید شود. بخشی پیش از اسلام و

بخشی در دوره اسلامی بود. در این زمینه کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته می‌شد. نمونه آن سخنرانی علی اصغر حکمت در فرهنگستان ایران است با عنوان «ایران در فرهنگ جهان است». حکمت در این سخنرانی به فرهنگستان توصیه می‌کند کتابی با عنوان «سهم ایران در میراث بشریت» تألیف و به عالم تاریخ علم تقدیم کند تا ابعاد خدمات ایرانیان به عالم بشریت روشن شود. ایران از نظر وی از ساحل رود جیحون تا سواحل فرات و خلیج فارس را شامل می‌شد. او افزون بر نفوذ کلمات فارسی به زبان‌های مختلف در جهان، مروری دارد بر دوره هخامنشی و اهمیت آن در فرهنگ یونان، همین طور ایران بر اسکندر و نیز تأثیر دوره ساسانی، تأسیس دانشگاه جندی شاپور و آثار علمی آن. سپس به دوره ایران پس از اسلام می‌رسد و سخن ابن خلدون را درباره تأثیر فرهنگ ایرانی می‌آورد و می‌گوید: اگر بخواهیم تاریخ شرکت و معاضدت ایرانیان را در انواع شعب علوم و فنون جدید شرح دهیم، داستانی بس طولانی و از حوصله مکان و مقام خارج است. (ص ۱۱)

حکمت در ادامه به دوره معاصر می‌پردازد و از عصری که خودش «افتخار خدمت به معارف» را داشته یاد می‌کند. سپس به جایگاه ایران بعد از جنگ بین‌المللی می‌پردازد و از جایگاه ایران در سیاست جهانی در این دوره سخن می‌گوید.

درباره تأثیر تمدن ایرانی بر جهان گاهی موضوعات خاص تری هم مدنظر قرار می‌گرفت. ارائه یک سخنرانی توسط پروفسور استیون رانسیمان استاد دانشگاه کمبریج و بعداً استانبول با عنوان «نفوذ ایران در تمدن اروپا» در انجمن ایران و انگلیس و چاپ آن در سال ۱۳۲۳ اشاره به تمایلی است که در این زمینه وجود داشت. البته که به هر حال کشوری به بزرگی ایران، تأثیری در تمدن جهانی دارد و همیشه می‌شود مواردی از آن را یافت.



در این سخنرانی از نگاه اروپامحوری در تمدن با حذف شرق انتقاد شده و از آثار تمدن ایرانی - هخامنشی بر سواحل مدیترانه، آن هم پیش از آنکه رومیان بر آن تسلط یابند، یاد شده است. در بخش دیگر، نفوذ افکار ایرانی، مذهب مهرپرستی و آیین مزدیسنا در فلسفه‌های اروپایی و حتی عالم مسیحیت مورد توجه قرار گرفته است. بعدها در دوره ساسانی از اوسط سده سوم تأثیر تازه‌ای از سمت وسوی ایران آغاز شد و در روزگاری که رم بی‌رمق شده بود، شرق در حال تأثیرگذاری از طریق تیسفون بر جهان اطراف خود بود. وی به تأثیرگذاری فرهنگ و هنر ایرانی در امور حکمرانی اشاره می‌کند و گنبد را یکی از آثار معماری ایرانی می‌داند که در رم و سواحل مدیترانه رواج یافته است: در مجسمه‌سازی نیز نفوذ ایران در اروپا بسیار زیاد بوده است.

سپس از آثار صنعتی - هنری، مانند ابریشم‌بافی و دیگر صنایع دستی به عنوان آثار ایرانی که به رم رفته یاد کرده است. متن انگلیسی - فارسی این سخنرانی در این کتابچه به کوشش لطفعلی صورتگر فراهم شده است.

در همان دوره پهلوی در کتابچه‌های تبلیغاتی وزارت اطلاعات و فرهنگ وقت، عناوینی درباره ایران انتشار می‌یافت که می‌کوشید بر اهمیت ایران در تمدن جهانی تأکید کند. نمونه آن کتابچه‌ای است که با عنوان ایران مهد تمدن و فرهنگ جهان منتشر شد و در آن از عهد کورش تا روزگار معاصر مرور شده است.

ترویج این ایده در سطح تبلیغاتی و برای مثال در میان نیروهای مسلح نشان می‌دهد که تا چه اندازه مورد توجه و استفاده بوده است. متن سخنرانی عزت‌الله همایونفر در میان نیروی هوایی شاهنشاهی در آذرماه سال ۱۳۴۵ به صورت یک کتابچه و با عنوان سهم ایران در ایجاد تمدن جهانی منتشر شده است. همیشه در این ایده‌ها تلاش می‌شد تا جنبه فعالیت تمدن و فرهنگ ایرانی مطرح شود، اما به هر حال این افراد می‌دانند که در دوره‌هایی حالت انفعالی ایران بیش از جنبه فعال بودن آن بوده است. اینکه تلاش شود حتی همین وضعیت هم به نقطه مثبت تبدیل شود، جالب است:

یونانیها تمامی خاک ایران را گرفتند و حکومت هخامنشیان را با تمام عظمت و بزرگی و وسعت و قدرت و ثروتش از میان بردند، اما ایرانی‌ها از فلسفه و حکمت یونان درسها آموختند و از نحوه مدیریت و مملکت‌گیری آنان پندها گرفتند.

همین تفسیر درباره «حمله عرب» هم هست. در این حمله حتی زبان ایرانی عوض و تحت تأثیر عربی به صورتی دیگر درآمد؛ هر چند به صورت «زبانی مستقل» با «ادبیاتی استثنایی» باقی ماند. (ص ۹-۱۱)

نویسنده سهم معنوی ایران را در تمدن بشری مدنظر قرار می‌دهد و می‌گوید که بحث بر سر «ذکر خدمات ایرانیان در کار شهرسازی ... یا هنر معماری ... یا ایجاد پست و سد بستن ...» و اینها نیست.

(ص ۱۴) در ادامه از لوح کورش تا پندنامه اردشیر و اشعار سعدی و ملای رومی و حکیم سنایی و تأثیر معنوی شان بر جهان می نویسد. سپس می گوید:

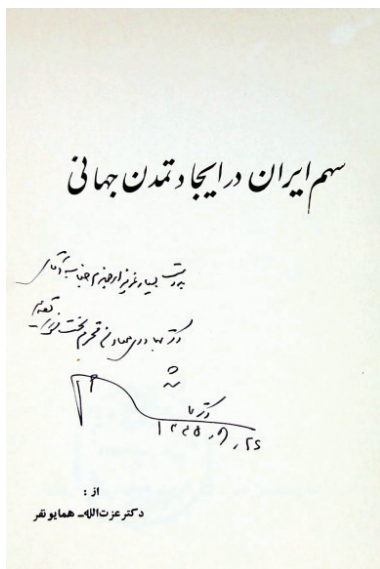
تمدن امروزی قابل دوام نیست، نه طبابت به اصالت سابق وجود دارد و نه قضاوت و نه صداقت گذشته... هیچ کس با شور و عشق و به خاطر دل و احساس و عاطفه اش نمی دود، همه به خاطر مزد و نتیجه معمولی در رفت و حرکت و تلاشند. (ص ۳۰)

وی در این باره به بالابودن آمار خودکشی در کشورهایی مانند سوئد با آن «تمدن عالی» استناد می کند (ص ۳۱) و به عنوان نتیجه می گوید:

تا چندی پیش تمدن دنیا با نور حقیقتی که بیشترش و یا سهم زیادی از آن از ایران عزیز به بیرون تابیده شده بود، تالائویی خاص داشت و آثاری عظیم در راه سعادت بشر و بشریت به وجود آورده بود، اما چنانچه گفتم در یک قرن اخیر و به تدریج کفه مادیات بر صفحه معنویات چربیده و دود این همه خواستن و داد این همه مطالبه کردن مانع از درخشیدن خورشید معنی و معنویت شده است. کشورهای بزرگ دنیا که به اتم رسیدند، تازه فهمیدند که این تندروی علم بدون آنکه بر عصای اخلاق تکیه کند، چه خطر و خطراتی در پیش دارد. (ص ۳۳)

ادامه این کتابچه تا چند صفحه بعد، همین گفتمان را تعقیب می کند، با این تأکید که البته «نمی توان به دنیا فرمان ایست داد».

مشابه متن بالا که برای نیروهای نظامی ارائه شده، متن دیگری که در اصل سخنرانی بود و به صورت



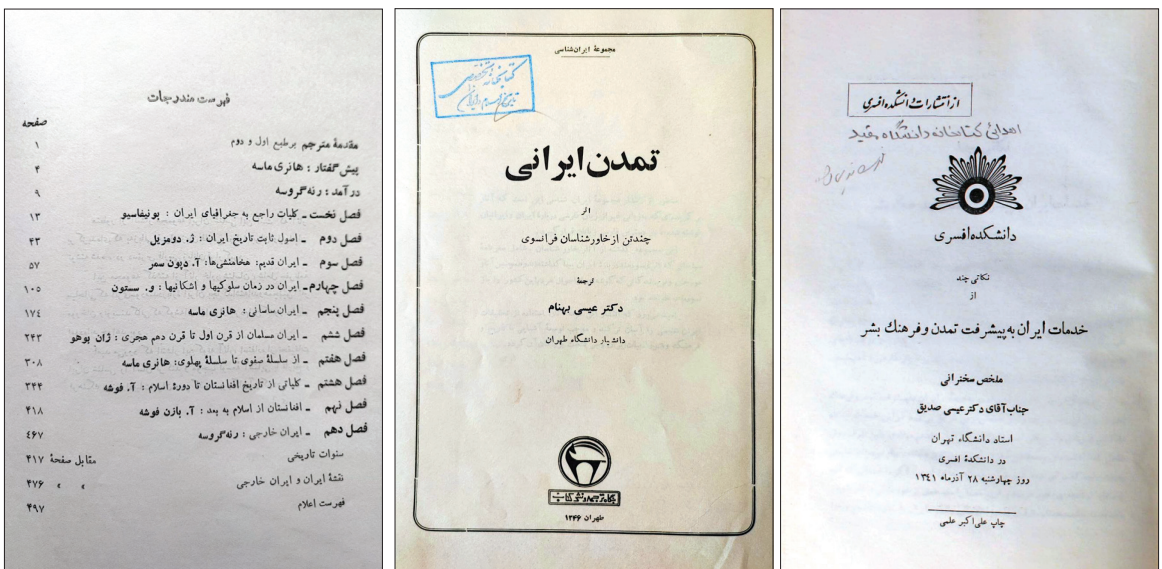
کتاب درآمد، اثری است از عیسی صدیق از رجال دوره پهلوی که انتشارات دانشکده افسری با عنوان: «نکاتی چند از خدمات ایران به پیشرفت تمدن و فرهنگ بشر» در هیجده صفحه منتشر کرد. وی تأکید می کند که منبعش برای مطالبی که می گوید، کشفیات علمی جدید مستشرقان است؛ زیرا ممکن است استناد به مطالب خودمان، حمل بر خودستایی و غلو شود. به علاوه که اساساً تا شصت هفتاد سال قبل اطلاعاتی درباره ایران باستان نداشتیم»، (ص ۱) اما حالا «اروپایی ها و آمریکایی ها هم با زحمات و مشقات بسیار توانستند با روش علمی به تاریخ و تمدن و فرهنگ باستانی ما پی ببرند». وی شرحی از زحمات مستشرقان به ویژه راولینسون درباره خواندن کتیبه های بیستون به دست داده و از فرهنگنامه ایران شناسی که به همت دوازده نفر آلمانی انتشار یافت، یاد کرده است. (ص ۵)

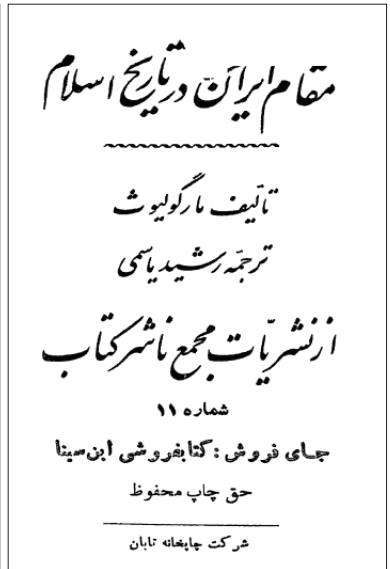
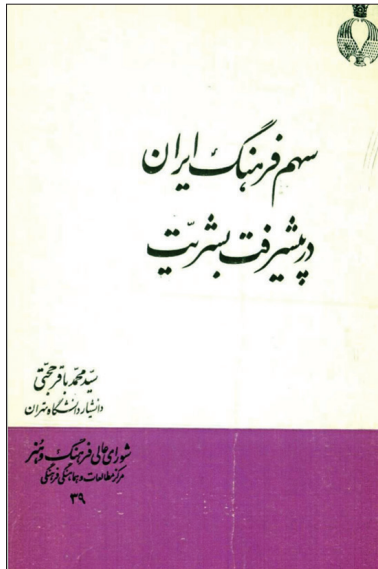
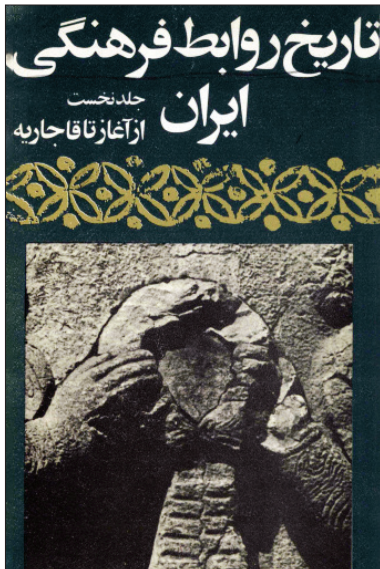
آنگاه از فعاليت‌هاى ايران شناسى ادوارد براون و جريان‌هاى بعدى از جمله فعاليت‌هاى علمى براى معرفى آثار تاريخى در نمايشگاه‌هاى بزرگ ياد و کتاب شش جلدى پوپ را يکى از برترين آثار در اين زمينه معرفى مى‌کند. بعد از مرور اين فعاليت‌ها و با استناد به آنها مى‌گويد:

ايران يکى از ارکان تمدن و فرهنگ عالم بوده است.

به گفته او در غرب رسم بوده که هنر را از يونان شروع کنند، اما اکنون و بر اساس آنچه از ايران به دست آمده، «هيچ ملت شرقى به جز قوم يهود، به اندازه ايران در مغرب زمين تأثير نداشته و به قدر ايران در تکوين تمدن و فکر بشر سهيم نبوده است». (ص ۷) سپس از فشارهاى که ايرانيان از لشکرکشى‌هاى خارجى از جمله مغول تحمل کردند ياد کرده و اينکه «تمدن و فرهنگ مشعشعى که ايران دارا بوده، در قرن هفتم هجرى چنان مورد ضربت و هجوم وحشيانه مغول قرار گرفت که نظير آن در تاريخ ديده نشده است». (ص ۹) ويژگى ديگر ايرانيان انتقال تمدن از غرب به شرق و به عکس است. به علاوه، به گفته صديق، ايرانيان نخستين ملتى بودند که امپراطورى جهانى به وجود آوردند و روح عدالت و تساهل را که تا آن زمان بر بشر مجهول بود، بسط و اشاعه دادند. (ص ۱۱) به اين ترتيب «ايران عامل نشر و بسط فرهنگ و عدالت بوده است». (ص ۱۲) از اهميت و تأثير دين‌هاى قديمى ايرانى، مانند: زردشت، مهرپرستى و مانى در جهان نيز ياد کرده است. (ص ۱۶-۱۷) او هيچ از اسلام و فرهنگ آن ياد نکرده و تنها اشاره‌اش به اسماعيليه، صوفيه و حروفيه به اعتبار مذاهبي است که «نماينده حکمت ماوراءالطبيعه دماغ ايرانى است». (ص ۱۹)

ترجمه کارهاى علمى مستشرقان درباره ايران به ويژه ايران باستان، همواره در ادامه جنبش «تمدن‌نگارى ايرانى» مورد استفاده قرار مى‌گرفت و حجم بالايى از پژوهش در دانشگاه‌هاى غرب و حتى روسيه





درباره ایران باستان منتشر می‌شد. البته علاقه‌مندانی هم بودند که درباره ایران اسلامی کار می‌کردند. در مواردی، تعدادی از این مقالات با عناوینی به صورت یک کتاب منتشر می‌شد. نمونه آن مجموعه مقالات با عنوان «تمدن ایرانی» از خاورشناسان فرانسوی است که عیسی بهنام آنها را ترجمه و در یک جلد منتشر کرد.

از دیگر آثاری که به همین حوزه، یعنی بحث درباره اهمیت ایران در دوران اسلامی مربوط می‌شود و از شرق‌شناسان است و به فارسی درآمده، کاری از مارگولیویش با عنوان مقام ایران در تاریخ اسلام است. این اثر را سعید نفیسی به فارسی درآورده و در مقدمه کوتاهی که بر آن نوشته، از اهمیت این اثر نویسنده یاد کرده است. بعدها دهخدا متن یادشده را عیناً در جلد سوم امثال و حکم (ص ۱۶۷۳-۱۶۸۹) آورد تا اهمیت «مفاخر ایرانیان و خدمات بزرگان این کشور به تمدن اسلام از اقوال مورخان یونان و روم و عرب» را نشان دهد. این کتاب در ۲۰ مردادماه سال ۱۳۲۱ ش در ۶۲ صفحه منتشر شد.

نفیسی در کارهای دیگر خود نیز بحث‌های تمدنی را دنبال می‌کرد و از جمله کتابی با عنوان تاریخ تمدن ایران ساسانی نوشت. این درس‌های او در فاصله سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۱ و در دورانی بود که بحث درباره تمدن ایرانی پیش از اسلام محبوبیت زیادی داشت.

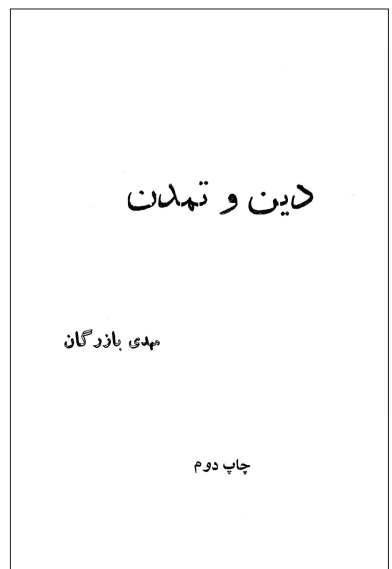
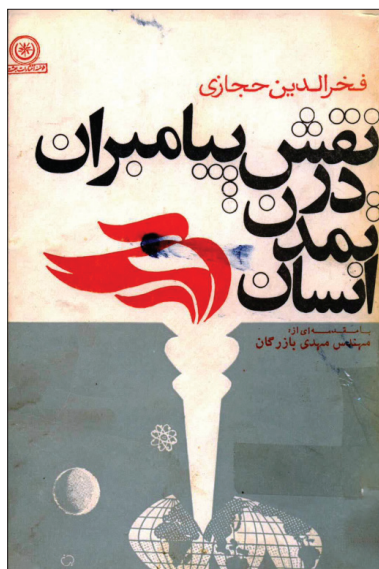
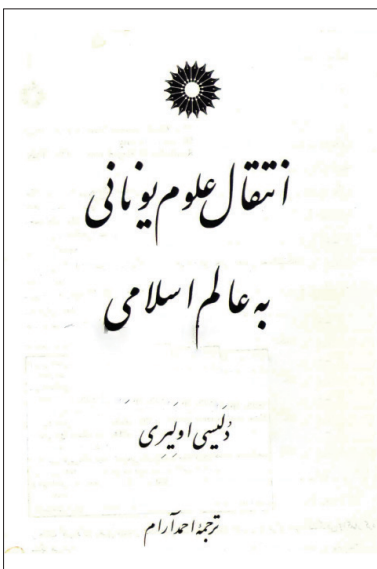
استاد و دوست ما محمدباقر حجتی نیز در سال ۱۳۵۴ کتابچه‌ای با عنوان سهم فرهنگ و تمدن ایران در پیشرفت بشریت نوشته است که همان وقت زیر نظر شورای عالی فرهنگ و هنر منتشر شده است. به نظر می‌رسد این کتابچه ۳۰ صفحه‌ای مقاله‌ای برای یک نشست علمی بوده است.

نمونه‌ای دیگر از این دست در معرفی نقش و جایگاه ایران، پرداختن به روابط فرهنگی ایران با

کشورهای دیگر است. این کتاب که در سال ۱۳۵۶ از سوی وزارت فرهنگ و هنر انتشار یافت، حاوی سه مقاله از سه مقطع تاریخی بود. «تاریخ روابط فرهنگی ایران پیش از اسلام» از محمدجواد مشکور، «مناسبات فرهنگی در قرون اسلامی از صدر اسلام تا عصر مغول» از ابراهیم باستانی پاریزی و «تاریخ روابط فرهنگی ایران از حمله مغول تا پایان دوره قاجار» از عبدالحسین نوایی. (تهران، حوزه معاونت روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر، ۱۴۴ ص)

۹. سازگاری دین و تمدن در شکل نوین آن، موضوعی از همین موضوعات تمدنی و تمدن نگاری در دوره جدید است. پرسش این است که دین و تمدن چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ در اینجا می‌توانید سؤال کنید تمدن در اینجا به چه معناست؟ تمدن مادی یا معنوی؟ و اگر ترکیبی از آن دو مراد است، با چه نسبتی؟ به عبارت دیگر، اگر تمدن به معنای تمدن نوین غربی با مظاهر و تکنولوژی جدید است، در این صورت، دین به ویژه دین اسلام، چه نسبتی با آن دارد؟ شاید کسی بگوید مراد از تمدن، یک مفهوم کلی از «خوب زندگی کردن» همراه با رفاه و آزادی و تکنولوژی، اما بدون فساد است. به هر حال این نکته مهمی است که دین چه نسبتی با تمدن دارد. زمانی فخرالدین حجازی کتابی با عنوان نقش پیامبران در تمدن انسان نوشت و از مهندس بازرگان تقاضا کرد مقدمه‌ای بر آن بنویسد. این مقدمه بعدها به صورت مستقل منتشر شد. بازرگان در این مقدمه می‌گوید:

پیغمبران چون بنیان‌گذاران ایمان و اخلاق بوده، افکار و احکامی را ترویج می‌کرده‌اند که مردم در سایه آن الفت و اطمینان به یکدیگر پیدا کنند و به این ترتیب همزیستی آنها که شرط وجود و دوام تمدن است امکان‌پذیر می‌شده است، پیغمبران را باید حقا سازندگان تمدن دانست. (دین و تمدن، ص ۹)



کسانی که دینی می‌اندیشیدند، در این زمینه، نگاهشان به تمدن بیش از آنکه ایرانی باشد، اسلامی بود. در واقع در افق دنیای اسلام به مسئله می‌نگریستند. این گرایش را از عناوینی که برای نوشته‌های خود از مقاله و کتاب می‌گذاشتند، می‌توان دریافت. شاید یکی از فعال‌ترین افراد در این زمینه، مرحوم احمد آرام معلم فیزیک بود. او تمایلات دینی داشت، در شرکت سهامی انتشار که آثار اسلامی را با رویکرد ملی منتشر می‌کرد، فعال بود و در ترجمه از انگلیسی، فرانسه و عربی توانا و فردی پرکار به شمار می‌آمد. تعداد قابل ملاحظه‌ای کتاب در این زمینه ترجمه کرد. این علاوه بر آثاری بود که در حوزه فیزیک و دانش‌های مربوط به آن حوزه ترجمه می‌کرد. یکی از کتاب‌های معروف در حوزه تاریخ علم، آن مقدار که به دنیای اسلام مربوط می‌شد، مورد توجه ایشان بود. طبعاً ایشان یک دانشمند بود و بیش از آنکه نگاه ایدئولوژیک در این حوزه داشته باشد، به مسائل علمی می‌اندیشید، اما مؤکداً بر آن بود تا در این زمینه فعالیت کند. فعالیت ایشان در حوزه ترجمه آثاری در تاریخ علم قابل تقدیر است، اما در این زمینه، ترجمه کتاب انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی اثری بود که وی در سال ۱۳۴۲ به فارسی ترجمه و منتشر کرد. این متن بار دیگر در سال ۱۳۷۴ توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر شد. وی در مقدمه درباره این کتاب می‌نویسد:

کتاب حاضر یکی از آن کتابهاست که تا حدی می‌تواند عنوان مرجعیت در تاریخ علم اسلامی داشته باشد.

او می‌گوید که این کتاب را به توصیه آقای دکتر یحیی مهدوی ترجمه کرده است. بخش اول کتاب درباره یونان و شکل‌گیری آن و ارتباطش با مناطق سوریه پیش از اسلام است. بخش دوم درباره فتح سوریه توسط مسلمانان و به تدریج گسترش این ارتباط در دوره اموی و عباسی است. فصلی به ترجمه به زبان عربی اختصاص یافته و بخشی نیز با عنوان «فلسوفان عالم اسلام که متأثر از آثار یونانی بوده‌اند» نامیده شده است. این سه قسمت اخیر از صفحه ۲۲۸-۲۸۰ کتاب یاد شده است.

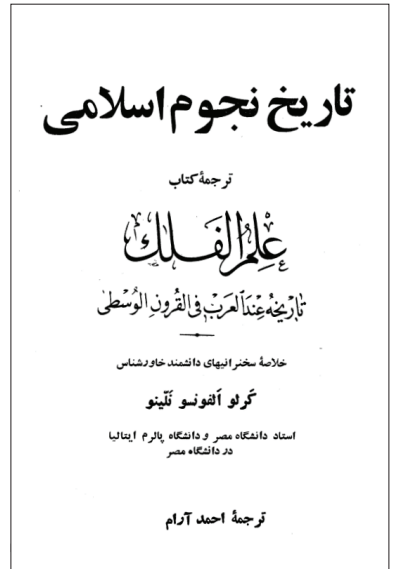
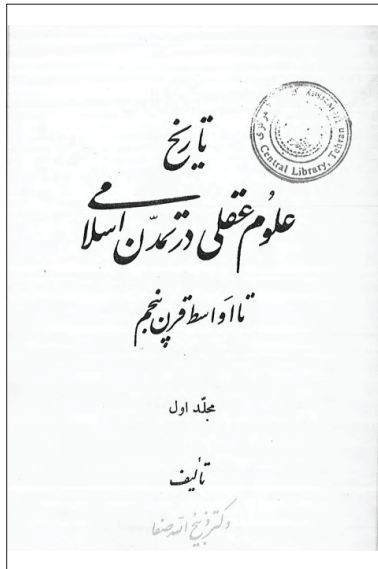
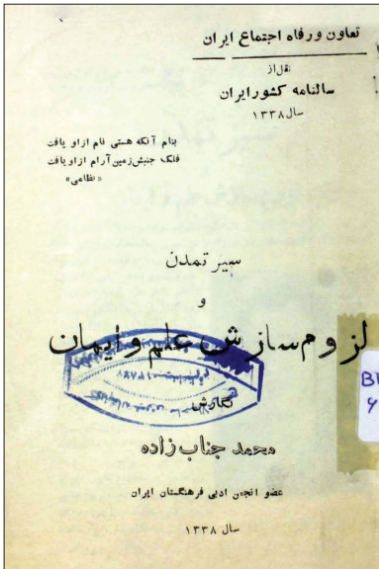
اثر دیگری که مرحوم آرام ترجمه کرد، کتاب تاریخ نجوم اسلامی از کرلو الفونسو نلینو بود که با نام علم الفلک «تاریخه عند العرب فی القرون الوسطی» به عربی ترجمه و آرام از آن زبان به فارسی درآورد. یک انگیزه پشت سر ترجمه این کتاب‌ها این بود که نشان داده شود دین و تمدن و علم سازگار است. این کتاب در سال ۱۳۴۹ ش ترجمه شده است. تکرار این سال‌ها از نیمه دوم دهه چهل، نشان‌دهنده تمایل فکری یا گفتمانی است که در این زمینه در ایران آن وقت بوده است. بعد از سال ۵۰ بیشتر مباحث، رنگ سلطنتی و شاهنشاهی به خود گرفت. آرام در مقدمه می‌گوید: «چند سال پیش فصل‌هایی از این کتاب را ترجمه کردم و در یکی دو مجله به چاپ رساندم». پس از آن به توصیه دوستی آن را به طور کامل ترجمه کرده است. او می‌افزاید که پس از انتشار کتاب مجموعه مقالاتی از سید حسن تقی زاده روشن شد که وی در سال ۱۳۳۲ قسمت‌هایی از درس‌های ۳۷ و ۳۹ کتاب یاد شده را ترجمه کرده است. بحث‌های کتاب درباره تاریخ نجوم اسلامی است که با دقت و استفاده از منابعی که آن وقت

در اختیار نویسنده بوده، با دقت نوشته شده است. سابقه این مباحث، پیش از این در کتاب اسلام و هیئت سیده‌هبة الدین شهرستانی آمده بود، اما این بار یک مستشرق به طور جدی و علمی به این مباحث پرداخت.

درباره علم و دین و روابط آنها، بخشی از حوزه فعالیت‌های نگارشی نشان دادن این بود که مسلمانان در تمدن اسلامی توانسته‌اند قله‌های علم را فتح کنند و خلاقیت‌ها و ابتکارات فراوانی از خود به یادگار بگذارند. نمونه این نگارش‌ها کتاب دانش مسلمین از محمدرضا حکیمی بود که در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. درباره این کتاب و نیز کتاب علم و تمدن در اسلام دکتر نصر در جای دیگری به تفصیل سخن خواهیم گفت.

بخش قابل توجهی از آنچه مسلمانان در دوره جدید به آن افتخار می‌کنند، دانش عقلی مسلمانان یا به عبارتی تاریخ فلسفه و کلام است. در این زمینه و با وجود مخالفت عمده مسلمانان با فلسفه و عقل‌گرایی به سبک یونانی، دانشمندان زیادی از مسلمانان آثار شایسته‌ای خلق کردند. این تحول اگرچه سبب رشد عقل‌گرایی در جهان اسلام نشد و مقهور جریان اخباری‌حشوی و مذهب اهل حدیث شد، به هر روی میراث قابل توجهی از خود باقی گذاشت. ذبیح‌الله صفا استاد دانشکده ادبیات با نگارش کتاب تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی کوشید تا این خلأ را پر کند و فهرست بلندی از مؤلفان و آثار آنان در حوزه علم عقلی به دست بدهد. این کتاب در سال ۱۳۴۵ ش منتشر شد.

۱۰. یک مسئله مهم که در یکصد سال گذشته همیشه دغدغه متدینین از یک سو و مخالفان فرهنگ دینی از سوی دیگر بوده، بحث علم و دین است. سوژه این بحث از اروپا و همراه با ورود دانش‌های جدید بود؛ اینکه آیا علوم جدید که جایگزین علوم قبلی شده بود، علمی که رنگ دینی به خود گرفته بود، با دین سازگار است یا خیر. تجربه اروپا و آنچه به دست نخستین روشنفکران ایرانی رسید، نگاه منفی نسبت به این بحث بود. بعد از آن متدینین تلاش کردند این سازگاری را نشان دهند؛ اینکه اسلام همیشه طرفدار علم بوده است و اساساً تعارضی میان علم و دین وجود ندارد. در میان نویسندگان مذهبی دهه‌های بیست تا پنجاه، نام دکتر محمد جناب زاده به عنوان نویسنده مقالاتی در این زمینه مکرر دیده می‌شود. وی مقاله‌ای با عنوان «سر تمدن و لزوم سازش علم و دین» دارد. طبعاً در این مقاله، هم از لزوم سازش سخن می‌گوید و همزمان، از ضررهایی که تمدن جدید بر خلاف مسائل علمی، در ایجاد فساد و تباهی در میان بشر داشته است، بحث می‌کند. از کارهای جدی که در این زمینه به سبک خاصی نوشته شد، کتاب ایدئولوژی الهی و پیشتازان تمدن از محمدباقر نجفی بود که سال ۱۳۴۹ منتشر شد. در حاشیه این موضوع آثار زیادی نوشته شده است. این افراد غالباً به کتاب انسان موجود ناشناخته آلکسیس کارل ارجاع می‌دادند که از اواخر دهه بیست که به فارسی ترجمه شد، مکرر در این زمینه مورد استناد قرار گرفت. اغلب از باورهای مذهبی ماکس پلاک و انیشتین نیز

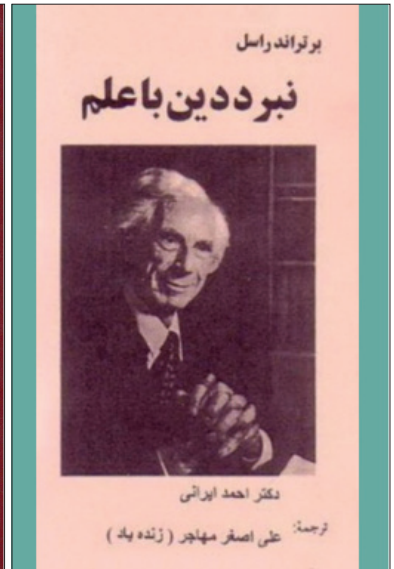
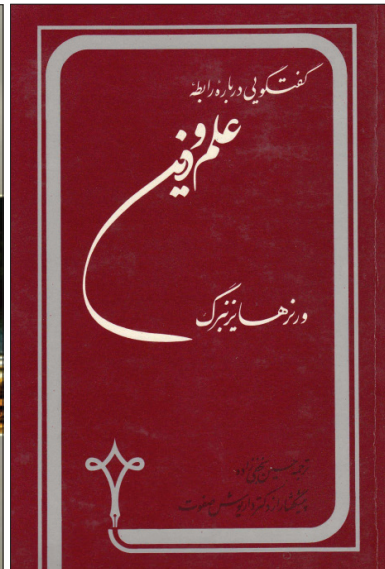


بهره می بردند. بخشی از مقاله پیش گفته جناب زاده، معرفی آثاری است که درباره اثبات خداوند از نظر علم و عقل نوشته شده است. اثبات خدا از راه علم، یکی از روش هایی است که در طول چند دهه با هدف اثبات هماهنگی علم و دین نوشته می شد.

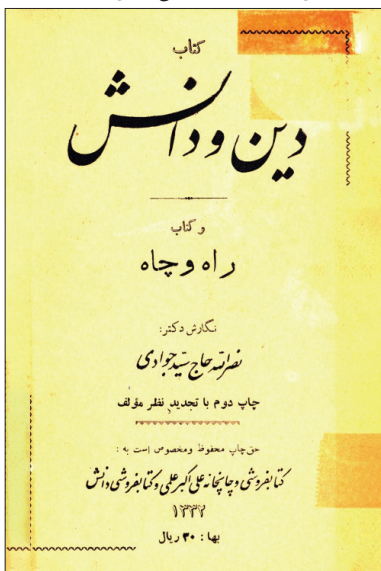
میراث جدال میان علم و دین در اروپا به ایران و دیگر بلاد اسلامی رسید و مسلمانان بایستی در این باره از خود دفاع می کردند. در واقع رنگ تمدن جدید، رنگ علمی بود و به دلیل مقاومتی که کلیسا در دوره تفتیش عقاید داشت و با دانشمندان برخورد کرده بود، پس از غلبه علم، حیثیت دین به عنوان امری ضد علم زیر سؤال رفته بود. برتراند راسل کتابی با عنوان نبرد علم و دین نوشت. (بنگرید به: مجله ۴۲، ش ۹، ص ۳۶-۴۰) این کتاب در سال ۱۹۹۳ به فارسی ترجمه و خارج از ایران منتشر شد.

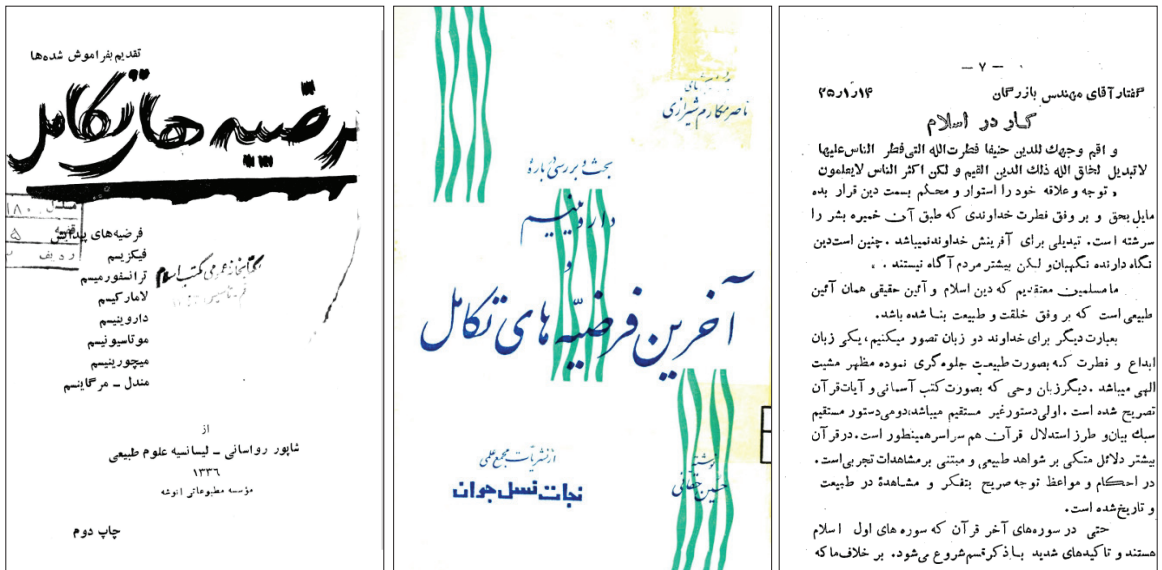
به طور ویژه ارتباط میان فیزیک و دین بارها و بارها مورد بحث قرار گرفته است. دامنه گسترده فیزیک و رابطه آن با متافیزیک همیشه می توانسته محل بحث گزاره های علمی از یک طرف و گزاره های دینی از طرف دیگر باشد. در حال حاضر نیز مباحثات میان دین و فیزیک جریان دارد. کتاب گفتگویی درباره رابطه علم و دین از ورنر هایزنبرگ که خود از علمای اتم است، از آثاری است که در زبان فارسی منتشر شده است. این کتاب که حاصل چند گفتگوست، در سال ۱۳۶۳ (تهران، نقره، ۸۲ ص) منتشر شده است.

در دنیای اسلام مقابله با علم جدید بسیار کمتر بود، اما به هر روی، آن ذهنیت وجود داشت و مسلمانان باید در این باره توضیح می دادند. نتیجه آن شد که در دوره تمدن نگاری نوشته هایی درباره ارتباط دین و دانش نوشته شد تا در این زمینه توجیهات و توضیحات لازم داده شود. سید جمال الدین



اسدآبادى براى اولين بار بر سر مفهوم تركيبى «اسلام و علم» با ارنست رنان وارد گفتگوى نقد و ايراد شد. پس از آن اين موضوع ادامه يافت و تعداد فراوانى كتاب و كتابچه و مقاله در اين باره توسط مسلمانان نوشته شد. مرحوم مطهرى در علل گرايش به مادىگرى، بخشى از منازعه كليسا با علم را ريشه تمايل بشر جديد به مادىگرى دانسته است. در ايران محمدتقى جعفرى در اين باره نوشت؛ چنان كه ديگران هم مكرر نوشتند. عباسعلى سرافرازى هم كتابى با عنوان رابطه علم و دين در ۱۱۲ صفحه نوشت كه دفتر نشر فرهنگ اسلامى در سال ۱۳۶۴ آن را منتشر كرد. على اكبر فروتن (بهائى) يك كتابچه ۳۴ صفحه‌اى با عنوان توافق علم و دين در سال ۱۳۲۷ش نوشت. مفصل ترين كتاب





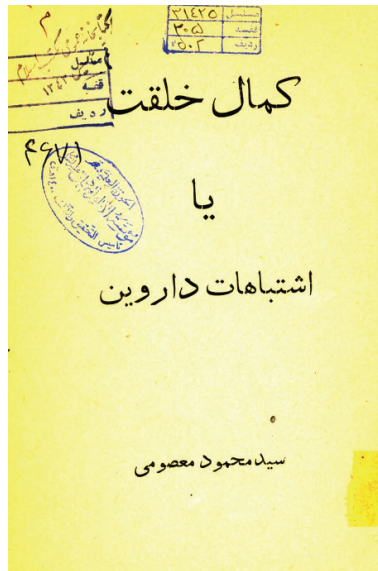
درباره برخورد علم و دین در اروپا کتاب علم و دین از ایان باربور با ترجمه بهاءالدین خرمشاهی (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲) است.

کتابچه‌ای با اسلام و علم دانش (حسین انصاری، تهران، بی‌تاریخ، ۵۶ ص) سعی کرده است به این پرسش و ابهام جواب بدهد. در این اثر درباره منشأ بدیینی به مذهب، مبارزه کلیسا با علم، نظریه قرآن و ابتدای خلقت جهان، قرآن و حرکت و کروی بودن زمین، قرآن و خلقت انسان، کشفیات دانشمندان اسلامی و بعد هم تک تک رشته‌های علمی و سهم دانشمندان اسلامی بحث شده است.

نمونه مشابه این اثر، کتاب اسلام و صنعت (جوهری زاده، تهران، فراهانی، ۱۳۸۴/۱۳۴۴ ش، ۱۱۲ ص) است که تلاش کرده تا نشان دهد اسلام چه تأثیری در صنعت داشته و نگاه اسلام به کار و تلاش چیست. وی در همان آغاز از دشمنی کلیسا با علم آغاز کرد و اینکه چطور دانشمندان و منجمان را وادار کرد تا از نظر کروییت زمین توبه کنند. «تاریخ کلیسا، پرماجرا و شرم‌آور است». همان وقت که اروپا در جهل به سر می‌برد، در این سوی دنیا، علم و تحقیق و صنعت در اوج خود بود. (ص ۷) نویسنده ذیل عنوان «اسلام دین کار» به اهمیت فعالیت صنعتی و اقتصادی پرداخته است. کتاب بر همین خط تا آخر پیش رفته است. عنوان دیگر کتاب «اسلام پرچمدار انقلاب فکری» است. سپس از صنعت و معماری در اسلام، (ص ۳۸) صنعت قطب‌نما، بافندگی و موارد دیگر یاد کرده است.

«کار در اسلام» عنوان سخنرانی مهندس بازرگان در سال ۱۳۲۵ ش در انجمن اسلامی دانشجویان بود که در کتابی در کنار مقالات دیگر همان سال منتشر شد.

طبیعی بود که مواردی هم وجود داشت که هم سابقه در جدال علم و دین در اروپا داشت، هم



چاپ ۱۳۳۲

می‌توانست منشأ مشکلی در این حوزه در دنیای اسلام باشد. از زمانی که نظریه داروین وارد زیست‌شناسی شد، در بسیاری از کشورها آثاری علیه آن نوشته شد. در ایران نیز واکنش‌های زیادی را برانگیخت و بارها در مقالات و کتاب‌ها این مسئله دنبال شد. در این آثار، اغلب نظریه داروین به عنوان نظریه‌ای که اعتبار علمی ندارد، نقد شد. در غرب هم از همان وقت تا کنون، این مباحث ادامه داشته و انگیزه بسیاری از آنها نیز دینی بوده است. البته در غرب در حوزه علم، این نظریه راه خود را رفت و نقادان علمی مطابق شأن روش علمی مانند بیشتر زمینه‌های دیگر وجود داشت. در کشوری مانند ایران، بحث علمی در این باره عملاً امکان تحقق نداشت و بیشتر با انگیزه دینی، اما اغلب با استفاده از نظریات نقادانه غربی با این نظریه برخورد می‌شد. یکی از این آثار کتابچه‌ای با عنوان داروینیسیم و آخرین فرضیه‌های تکامل، بحث‌هایی از آیت‌الله ناصر مکارم و تدوین حسین حقانی بود. (قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۴۵ ش)

یک زمانی در ایران و به طور ویژه دهه چهل و بعد از آن، بحث تکامل یکی از داغ‌ترین مباحث بود و عناوین زیادی کتاب در این باره منتشر شد. طبعاً همه آنها رنگ دینی نداشت؛ چنان‌که همه نیز بر ضد آن نبود. کتاب خلقت انسان دکتر یدالله سبحانی در موافقت نظریه تکامل با آیات قرآن بود، اما جز آن، به نام علم هم آثار زیادی علیه آن نوشته شد.

گزیده کتابشناسی تمدن‌نگاری در دوره پهلوی

فهرستی که در ادامه مشاهده می‌کنید، مشخصات تعدادی از کتاب‌هایی است که درباره برخی از آنها گفتگو شد. برخی نیز منابعی است که به هر روی می‌تواند در مسیر شناخت مطالعات تمدن‌نگاری

در این دوره به ماکمک کند. این فهرست چنان که در عنوان آمده، گزیده است و شامل همه منابع نیست.

۱. آسایش ابدی و تمدن ملت‌ها؛ حبیب‌الله حسینی؛ مشهد، بی‌تا، سربی، رقعی، ۱۸۰ ص.
۲. اسرار عقب‌ماندگی در شرق؛ ناصر مکارم شیرازی؛ تهران، ۱۳۴۸ش، سربی، جیبی، انتشارات بعثت، ۲۲۴ ص.
۳. اسلام و تمدن جدید؛ شیخ مصطفی زمانی؛ قم، ۱۳۴۸ش، سربی، رقعی، ۲۷۸ ص.
۴. اسلام و تمدن غرب؛ ابوالاعلی مودودی؛ ترجمه ابراهیم امینی؛ تهران، انتشارات نوید، ۱۳۴۷ش، سربی جیبی، ۲۵۶ ص.
۵. اسلام و روش‌های بانکداری؛ م. ا. منان، ترجمه محمدجواد سهلانی؛ تهران، ۱۳۴۹ش، سربی، رقعی، انتشارات بعثت، شماره ۸، ۸۸ ص، مصور با: مقام علم و صنعت در تمدن اسلامی در یک جلد.
۶. اسلام و مشکلات تمدن؛ سید قطب؛ ترجمه سیدعلی خامنه‌ای؛ مشهد، انتشارات توس.
۷. اصول تمدن غرب و تطبیق آن با روحيات شرقي؛ ابوتراب رازانی؛ تهران، ۱۳۱۲ش، سربی جیبی، ۱۲۰ ص.
۸. اول اخلاق ما، بعد تمدن آنها؛ ابوالاعلی مودودی؛ ترجمه حاج سیدغلامرضا سعیدی؛ تهران، ۱۳۴۳ش، سربی جیبی، شماره ۴۷ شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۵۵ ص، با عبودیت فکری و روح فرهنگ اسلام در یک جلد.
۹. ایدئولوژی الهی و پیش‌تازان تمدن؛ محمدباقر نجفی؛ تهران، ۱۳۴۹ش، سربی وزیر، انتشارات بعثت، ش ۱۰، ۹+۳۷۴ ص.
۱۰. به سوی تمدن؛ شیخ رضا معینی؛ قم، ج ۱، ۱۳۳۸ش، سربی، چاپخانه اسلام، ۱۰۴ ص.
۱۱. تأثیر قرآن در عقل فکر نهضت علمی تمدن کامل بشر؛ محمد واعظ‌زاده خراسانی؛ مشهد، ۱۳۴۷ش، جیبی، ۲۰ ص.
۱۲. تاریخ تمدن اسلام؛ جرجی زیدان؛ ترجمه شیخ علی جواهر - کلام؛ ۳۱-۱۳۳۳ش، سربی، وزیر، امیرکبیر، ۲۵۵+۲۲۷+۳۲۳+۳۰۳+۲۳ ص، ۵ جلد، تهران؛ ۱۳۳۶ش، سربی، وزیر امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۵+۲۷۴+۲۳۴+۳۳۱+۲۹۸+۲۳۷ ص، ۵ جلد، تهران؛ ۱۳۴۵ش، سربی، وزیر چاپ سوم، امیرکبیر، برنده جایزه سلطنتی ۱۶+۲۰+۱۲۷۶ ص.
۱۳. تاریخ تمدن اسلامی؛ جرجی زیدان؛ ترجمه عبدالحسین میرزا بن مؤیدالدوله طهماسب میرزا بن دولت‌شاه محمدعلی میرزا؛ به اهتمام میرزا ابراهیم قمی وکیل مجلس؛ تهران، ۱۳۲۹ق، سربی،

رحلى، ۱۹۱ ص.

۱۴. تاريخ تمدن ايران؛ پرفسور هانرى ماسه و رنه گروسه؛ ترجمه جواد محيى؛ تهران، گوتنبرگ، ۱۳۳۹ (کتاب مجموعه مقالاتى از شماری از مؤلفان و ايران شناسان است؛ کسانى چون: کريستن سن، گيرشمن و ...).

۱۵. تاريخ تمدن روم و ايران؛ دوکولانژ فرانسوى؛ ترجمه نصرالله فلسفى؛ تهران، ۱۳۱۹ ش، سربى، ۵۱۸ ص. (اين کتاب با نام تاريخ تمدن قديم ايران در سال ۱۳۰۹ چاپ شده بود. بعدها در سال ۱۳۴۱ و ۱۳۴۳ هم منتشر شد). (فهرست کتاب هاى چاپى مشار، ج ۱، ص ۱۰۶۲-۱۶۰۳)

۱۶. تجديد حيات جوانان در دوره برخورد تمدن ها؛ رضا آراسته؛ تهران، ۱۳۴۵ ش، سربى وزيرى، ۲۲۴ ص.

۱۷. تجديد و عوام فريبى؛ شيخ محمد واصف؛ قم، دارالعلم.

۱۸. تدین - تمدن؛ مکتب اخوت ايرانيان کاظميه؛ بغداد، ۱۳۳۱ ق، سربى.

۱۹. تمدن اسلام و عرب؛ گوستاو لوبون؛ ترجمه سيد محمد تقى فخر داعى گيلانى؛ تهران، ۱۳۱۳ ش، سربى وزيرى، ۸۰۴ ص. (چاپ هاى مختلف اين کتاب بدین ترتيب اند: تهران، ۱۳۱۶ ش، سربى، وزيرى، چاپ دوم، ۸۴۹ ص؛ تهران، ۱۳۱۸ ش، سربى، وزيرى، چاپ سوم، ۸۴۹ ص + ۳۶۳ گراور؛ تهران، ۱۳۳۵ ش، سربى، وزيرى، چاپ چهارم، على اکبر علمى، نو + ح + ۸۳۶ ص؛ تهران، ۱۳۴۷ ش، وزيرى، چاپ پنجم، على اکبر علمى، ۸۳۶ ص). (فهرست کتاب هاى چاپى فارسى، ج ۱، ص ۱۴۲۲)

۲۰. تمدن اسلام؛ علي رضا بن على اصغر بن محمد تقى شهرستانى؛ منشى جريده ترويج اسلام در مشهد رضوى؛ ۱۳۴۶ ق. (ذريعه، ج ۴، ص ۴۳۲)

۲۱. تمدن اسلام؛ گوستاو لوبون؛ ترجمه سيد هاشم حسيني؛ تهران، ۱۳۴۷ ش، سربى، جيبى، اسلاميه، ۷۹۱ ص.

۲۲. تمدن و علوم اسلام؛ سيد محمد رضا جوهرى زاده؛ تهران، ۱۳۴۸ ش، سربى، رقى، انتشارات سعيدى، ۲۵۶ ص.

۲۳. توحيد تمدن شرق و غرب (ندای آسمانى)؛ محمد جناب زاده؛ تهران، ۱۳۲۷ ش، سربى، رقى، ناشر کيو مرث کى منش، ۸ ص.

۲۴. جيبى، ۶۴ ص.

۲۵. خدمات ايرانيان به تمدن عالم؛ عباس اقبال آشتياني؛ تهران، سربى، وزيرى.

۲۶. در راه تمدن بزرگ از کورش تا پهلوی؛ دکتر نصرت‌الله حکیم الهی؛ تهران، ۱۳۵۰ش، سربی، وزیری، ۱۲+۴۸۲ ص، مصور.
۲۷. دین و تمدن - اسلام و فلسفه؛ محیی‌الدین سیدمفید ملجایی هروی؛ رشت، ۱۳۰۴ش، ۱۳۴۴ق، سربی، رقعی، ۱۹۴ ص.
۲۸. دین و تمدن؛ م. ص (با شورش محرم یا سیاحت حسینی در یک جلد)؛ تبریز، ۱۳۱۰ش، سربی.
۲۹. دین و تمدن؛ مهندس مهدی بازرگان؛ تهران، انتشارات بعثت.
۳۰. راه نجات (از آفات تمدن عصر حاضر در مفاصد تریاک و سایر مخدرات)؛ میرزا علی‌اکبر (بن شیخ مهدی مجتهدقمی) حکمی‌زاده؛ تهران، ۱۳۱۲ش، سربی، جیبی، ۵۶ ص.
۳۱. رمز عقب ماندگی ما؛ امیرشکیب ارسلان؛ ترجمه محمدباقر انصاری؛ تهران، ۱۳۴۸ش، سربی، سازمان انتشارات نوید، ۲۴۴ ص.
۳۲. روح التمدن و هویت الاسلام؛ سیداسدالله خارقانی؛ تهران، ۱۳۳۵ق، سنگی، جیبی، ۱۰۴ ص.
۳۳. زندگی و تمدن در قرن وسطی نقش ایران در علوم غرب؛ صدرالدین میرانی؛ تهران، ۱۳۴۷ش، سربی، جیبی، اقبال، ۵۶۸ ص.
۳۴. سهم ایران در ایجاد تمدن جهانی؛ عزت‌الله همایونفر؛ سربی، رقعی.
۳۵. سهم ایران در پیشرفت تمدن بشر؛ ابوالحسن دهقان؛ شیراز، ۱۳۴۸ش، سربی، وزیری، انتشارات دانشگاه، ۱۶۲ ص، ضمن پنج گفتار در زمینه ادب و تاریخ ایران.
۳۶. سهم ایران در تمدن جهان؛ حمید نیرنوری؛ تهران، ۱۳۴۵ش، سربی وزیری، شرکت ملی نفت، ز+۶+۵۹۰+۱۳ ک ص.
۳۷. سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان؛ دکتر رکن‌الدین همایون‌فرخ؛ تهران، ۱۳۵۰ش، سربی، وزیری، نشریه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۸۹۳ ص.
۳۸. سهم ایرانیان در تحول کلام اسلامی؛ دکتر مهدی محقق؛ تهران، ۱۳۵۰ش، ضمن گوشه‌ای از سیمای تاریخ تحول علوم در ایران.
۳۹. سیر تمدن و لزوم سازش علم و ایمان؛ محمد جناب‌زاده؛ تهران، ۱۳۳۸ش، سربی، جیبی، ۴۰ ص.
۴۰. سیمای تمدن غرب؛ سیدمجتبی موسوی‌لاری؛ قم، ۱۳۴۹ش، علمیه قم، ۳۴۸ ص (این کتاب به بیش از ده زبان دنیا ترجمه شده است).
۴۱. فاجعه تمدن و رسالت اسلام؛ قطب؛ ترجمه علی حجتی‌کرمانی؛ تهران، ۱۳۵۱ش، سربی، رقعی، ۳۹۵ ص، چاپ ششم، ۱۳۶۵.

۴۲. فرهنگ ايران و تأثير آن در تمدن اسلام و عرب؛ دکتر محمد محمدى؛ تهران، ۱۳۳۳ش، سربى،
رقعى، ۳۴۱ ص.

۴۳. قرن ديوانه (بحران تمدن و فرهنگ و نادانى هاى دوران دانش)؛ على اكبر كسمائى؛ تهران،
۱۳۴۹ش، سربى، وزيرى، انتشارات بعثت، ۱۸۴ ص.

۴۴. كتاب ياسدار دانش و تمدن بشر؛ محمد حسين خاك؛ قم، ۱۳۵۱ش، سربى رقى، علامه، ۳۲۷
ص.

۴۵. كليلد تمدن؛ محمود وحيدالدوله وحيد سعد؛ تهران، ۱۳۱۳ش، سربى، ۲۰ ص.

۴۶. كوششى براى همسازى دين و تمدن؛ مهندس مهدى بازركان؛ تهران، ۱۳۵۰ش، انتشارات بعثت،
۸۰ ص.

۴۷. كارنامه اسلام؛ عبدالحسين زرین کوب؛ تهران، شركت سهامى انتشار، ۱۳۴۸ (چاپ بعدى اين
كتاب، در انتشارات اميركبير، ۱۳۶۲ش انجام شد).

۴۸. مجموعه مقالات درباره فرهنگ و تمدن ايران و شامل ترجمه حال پورداوود به قلم دکتر محمد
معين و يازده مقاله از اشخاص ديگر؛ طهران، ۱۳۲۵ش، سربى، رقى، ۱۳۷ ص.

۴۹. مدينه الاسلام و روح التمدن؛ شيخ احمد بن محمد على شاهرودى؛ نجف ۱۳۴۶ق/۱۳۰۷ش،
سربى، وزيرى، ۳۶۳ ص.

۵۰. مدينه فاضله در اسلام؛ على تهرانى؛ مشهد، ۱۳۵۰ش، سربى، جيبى، كتاب فروشى زوار، ۱۶۸ ص.

۵۱. مدينه فاضله اسلام؛ سيد حسين ابراهيم حسيني قزوینی؛ تهران، ۱۳۰۹ش، سربى، رقى، ۱۴۲ ص.

۵۲. مسئله عقب ماندگى؛ دکتر محمد على اسلامى ندوشن؛ تهران ۱۳۴۳ش؛ سربى، وزيرى، مجله
يغما، ۱۵۱ ص.

۵۳. مقايسه اى چند از اسلام و جهان متمدن امروز؛ حاج شيخ محمد تقى فلسفى واعظ؛ تهران
۱۳۴۴ش، سربى، جيبى، كانون ندای اسلام، ۶۲ ص.

۵۴. ميراث اسلام؛ به قلم سيزده نفر مستشرق؛ ترجمه مصطفى علم؛ تهران، ۱۳۲۵ش، سربى، گراور،
رقعى، ۲۲+۳۳۱ ص+ ۹۳ گراور (در تأثير شعب مختلفه تمدن اسلامى در تمدن اروپايى و بيان
اقتباسات اين تمدن اخير از تمدن اسلامى در سيزده فصل و هر يك از اين فصول به قلم يکى
از فضلاى مستشرقين که در آن باب متخصص و خبره به شمار مى رفته. ترجمه از انگليسى به
فارسى با مقدمه به قلم سعید نفیسی استاد دانشگاه و مقدمه ديگرى از مترجم در ترجمه احوال
مؤلفين اصل كتاب نقل از مجله يادگار، سال ۴، شماره ۱، ص ۲-۱۲۱).

۵۵. میراث ایران؛ تألیف سیزده تن از خاورشناسان انگلیس زیر نظر آبربی؛ ترجمه احمد بیرشک، دکتر بهاء الدین بازارگاد؛ زط.
۵۶. نشانه‌هایی از تمدن و فرهنگ ایران در سرزمین‌های دیگر؛ دکتر علی اقبالی؛ تهران، ۱۳۵۰ ش.
۵۷. نفوذ ایران در تمدن اروپا در قرون وسطی؛ استیون رانس مان استاد دانشگاه استانبول؛ ترجمه دکتر لطفعلی صورتگر شیرازی فرزند میرزا آقا نقاش؛ تهران، ۱۳۲۳ ش، سربی رقی، ۱۵+۱۳ ص، فارسی و انگلیسی.
۵۸. نقش پیامبران در تمدن انسان؛ فخرالدین حجازی؛ با مقدمه مهندس مهدی بازرگان؛ تهران، ۱۳۵۰ ش، سربی، رقی، بعثت، پنجاه و پنج + ۳۲۴ ص؛ تهران، ۱۳۵۲ ش، رقی، بعثت، چاپ دوم، ۳۲۴ ص.
۵۹. نقش زن در فرهنگ و تمدن ایران (مجموعه سخنرانی‌های نمایندگان سازمان زنان ایران به مناسبت جشن دوهزاروپانصدمین سال بنیان‌گذاری شاهنشاهی)؛ تهران؛ ۱۳۵۰ ش، سربی، وزیری، سازمان زنان ایران، ۲۹۲ ص.
۶۰. نقش سینما در زندگی و تمدن جدید؛ زین‌العابدین قربانی؛ قم، ۱۳۵۱.
۶۱. نقش معلم در تمدن جهان؛ سید جلال‌الدین افتخارزاده؛ تهران، ۱۳۵۱ ش، سربی، رقی، امیرکبیر، کتاب‌های پرستو، ۶۰۱ ص.
۶۲. نگاهی به تاریخ فرهنگ و تمدن ایران؛ اقدس افشار شیرازی؛ تهران، ۱۳۵۲ ش، سربی، رقی، ۲۴۲ ص.
۶۳. نیم قرن فرهنگ و تمدن ایران (از ۱۲۹۹ تا ۱۳۴۹)؛ جهانگیر قائم مقامی؛ تهران، ۱۳۴۹ ش، سربی، وزیری، ستاد بزرگ آرتشتاران، ش ۶، ۱۱۸ ص.
۶۴. هیپی‌گری عصیانی علیه تمدن؛ مهندس فرزین دوستدار با همکاری محمد حسن مجاهدی؛ تهران، ۱۳۵۰ ش، مطبوعاتی عطائی، ۱۱۶ ص.
۶۵. وحدت و تنوع در تمدن اسلامی؛ گوستاوفون گرونباوم؛ ترجمه عباس آریان پور؛ تبریز، ۱۳۴۲ ش، سربی، وزیری معرفت و فرانکلین، ۵۸۰+ شانزده ص.
۶۶. وضع اجتماعی و تمدن اشکانیان؛ عباس پرویز؛ تهران، ۱۳۵۰ ش، نشریه شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.